

اما بنده شنیده بوده عدمیات را نمی‌شود تعداد کرد اگر آقای حائری زاده در این موضوع عمم مخصوصی دارند که هیچ بنده برای اینکه مذاکره طولانی نشود عرض کردم چون عدمیات لایتناهی است خوب است موضوع صریحاً معلوم شود تا باعث طول کلام نشود و دیگر اینکه خواستم از آقای رئیس سؤال کنم که آیا رویه هم در استیضاح هست؟

رئیس - بله - در مضمونی که داده شده اخذ رویه هست.

چون روز دوشنبه تعطیل است باید رأی بگیریم پیشنهاد آقای مدرس که پیشنهاد کرده اند فردا سه بظهر جلسه شود.

سایمان میرزا - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید

سایمان میرزا - بنده بازم با نهایت خونسردی عرض می‌کنم که فاصله بین امشب تا فردا خیلی کم است اگر مخالفان میدانند چه موضوعی است و اسنادشان را هم حاضر کرده اند بایه چه چه نمیدانیم ما باید تمام اسناد را بیاوریم اینجا و دوسیه های این چهار ماهه را حاضر کنیم تا بقول آقای حاج مخبر السلطنه اگر آن وقت برای کار پیدا شد ما اسنادش را در دست داشته باشیم.

در حال چون ما موضوع استیضاح را نمیدانیم این فاصله قلیل از حال تا فردا صبح را خیلی کم میدانم. حالا که میفرمایند این امر الزامی است میدانم دولت قبول کرده است یا نه؟ ظاهراً برای مجلس باقی گذارده است

رئیس - رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای مدرس برای فردا سه بظهر مانده آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای حاج نصیر السلطنه شرحی نوشته اند قرائت می‌شود (باین مضمون قرائت شد)

نظر باینکه چند روز پیش بانقضای دوره چهارم تقنینیه باقی است تقاضا می‌نمایم از روز سه شنبه بعد سه روز دو جلسه صبح و عصر تشکیل شود.

رئیس - قرائت شد امشب فکر میفرمایند فردا رأی می‌گیریم (مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک جلسه ۲۸۴ صورت مشروح مجلس یوم دوشنبه ۲۱ جوزا ۱۳۰۲ مطابق بیست و پنجم شوال ۱۳۴۱ (مجلس یک ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید) رئیس - صورت جلسه دیشب چون

حاضر نشده است با صورت جلسه امروز فردا قرائت میشود.

بالفعل دستور امروز استیضاحی است که از طرف آقای مدرس تقدیم مجلس شده است.

(خطاب به مدرس) (بفرمائید)

مدرس - محض استحضار آقایان و تذکار ماسبق عرض میکنم وقتیکه پروگرام دولت مطرح بود بنده اشاره کردم با امروز یکی از مواد پروگرام روابط حسنه با دول بود اگر نظر آقایان باشد يك اموری را اگر امروز بنده پیش بینی کردم و بر حسب سوابقی که بحال حضرت آقا داشتم منتها خودمانرا منتفع معرفی کردیم و عرض کردیم منتظر عملیات در آتی هستیم آنوقت باز یا بحال امتناع باقی خواهیم بود یا انکار یا اثبات مدت ۳ ماه ونیم گذشت دیدیم وضعیات طوری است که قابل تحمل نیست نه از شخص آقا بواسطه همین وضعیات قصوری که سابقه بحال آقا داشتیم و نه از عملیات جزئیة نسبت بکل واحد از وزراء من شخصاً همیشه نظرم با مور کلی و اساسی است والا امورات جزئی خیلی بود که نمی‌خواهم در آن خصوص مذاکراتی بکنیم بالاخره قریب ۳ ماه که از عمر کابینه گذشت دیدیم وضعیات قسمی است که قابل تحمل نیست با آقایان نمایندگان در صدد تشکیل اکثریت بر آمدیم البته همه میدانید وضعیت اکثریت و اقلیت این دوره چه قسم است يك نحوه خاصی است که ابدأ در دوره های سابق سابقه نداشت هی ما اکثریت تشکیل دادیم هی آقایان اقلیت کردند.

بترتیبی بترتیبی بهر چه بالاخره موفق نشدیم تا در این اواخر باز بعقیده خودمان واقفاً اکثریتی تشکیل دادیم و به مقتضای اصلی از اصول قانون اساسی خواستار شدیم که دولت برود آقایان قبول نفرمودند در این مسئله چند روز مذاکره شد چه در خدمت آقای رئیس و چه در حضور سایر آقایان میل ما این بود که دولت بمقتضای آن اصل قانون اساسی استعفا بدهد این را هم آقایان قبول نکردند حتی گفتیم شاید خود آقایان نمایندگان يك شخصی را در نظر داشته باشند که بعد از رفتن آقا مرضی همه باشد آنرا هم قبول نفرمودند و باز مسامحه کردند تا بالاخره استیضاح را پیش نهاد کردیم و منحصر کردیم رفتن دولت را باستیضاح من شخصاً مهماً امکن میل نداشتم باستیضاح چرا؟

بجهت اینکه استیضاح ما در مجلس شده است و همه آقایان میدانند وضعیات استیضاح به عقیده بنده غالباً به يك امور خیلی کوچککی گذشته است که همه میدانند و به عقیده بنده يك دولتی را به يك امور خیلی کوچکی از قبیل آرد و نخود و عدس و غیره آوردن و بردن چندان خوب نیست و آنچه که بنده نسبت باقا همیشه منظور نظر داشتم از جهت سیاست خارجی بود و

در این زمینه آنچه که میدانسته و میدانم از طرف ایشان قصور شده به تقصیر و استیضاح من هم در رویه ایست نسبت به شخص آقا که قصور دارند در حفظ سیاست خارجه و هیچ عقیده ام تفاوت نکرده است چه از سابق بر این کابینه والا حق بر این کابینه و از زمانهای دیری که بنده در تهران بودم و ده نفر رئیس الوزراء سرکار آمدند و پنجاه نفر وزیر در این مدت بقدر استعداد خودم اطلاعاتی از احوال آقایان دارم باز عرض می‌کنم آنچه که از آقای مستوفی الممالک استیضاح کرده ام و میکنم قصور است نسبت به سیاست خارجه اگر چه امور داخلی هم خیلی هست ولی عمده مطلب آنچه که منظور نظر من بود سیاست خارجی بود خلاصه پس از آنکه از جهات دیگر مایوس شدم این استیضاح را تقدیم مقام ریاست کردم حالا هم عرایض خود را عرض میکنم در قرون اخیر و وضعیات دنیا در اثر کهنه شدن بعضی دول و غفلت بعضی دول و غرور بعضی دول در دنیا کهنه بخوبی یا از احتیاج یا از تجدید بالخصوص در اروپا در قرون اخیر از صد و صد و پنجاه سال قبل يك دولتهائی وجود پیدا کردند در صدد بر آمدند که دول کوچک دنیا را بخورند البته وضعیات دنیا همیشه این اقتضای آن را داشته است يك قسمت بزرگش مقارن شده است با عمر و دنیاى ما از زمان اجداد و پدران ما تارسیده است با امروز

البته معلوم است همچو دولی مختلف اند اعقل دارد عاقل دارد اغنی دارد غنی دارد بعضی برویه عقل در مقام بلع دول كوچك نهنگ وار حمله میکنند و هی دول بزرگ را كوچك كوچك کردند و خوردند و قوی شدند و سایرین ضعیف بعضی که عاقل بودند لقمه های درشت درشت را بلعیدند تا کم کم قوی شدند وضعیات دنیا و غفلت سابقین ما و وضعیات جغرافیائی مملکت ما ما را مبتلا کرده بدو دولت بزرگ همسایه آن وقت بعضی از سلاطین هم شاید ملتفت شدند مثل مرحوم ناصرالدین شاه شاید ملتفت شده بودند که ما دو دولت بزرگ همجوار پیدا کرده ایم البته مقتضای وضعیت ما مقتضای دیانت ما باین دول سلم و صلح است دیانت ما در این زمان اقتضای تعرض و حمله ندارد مگر اینکه متعرضان بشوند و وقتی که متعرض ما شدند البته هر ضعیفی را اگر کسی متعرض شد باید بقدر مقدور و مسور عقلا دیانتاً سیاستاً در صدد دفع و رفع بر آید همیشه دولتهای ما چه در طرز سابق و چه در حالیه مراقب بودند که یا این دو دولت بزرگ غنی و قوی و اعقل و عاقل بنحو مساومت رفتار نمایند و همین قسم که فرمودند روابط حسنه با آنها داشته باشیم و همینطور هم مشی کرده اند و سالها و عمرها گذراندند تا اینکه بزمان ما رسید یعنی انقلاب ایران برپا شد و ملت پیدار شد و حکومت پکنفری بحکومت ملی

اند اعقل دارد عاقل دارد اغنی دارد غنی دارد بعضی برویه عقل در مقام بلع دول كوچك نهنگ وار حمله میکنند و هی دول بزرگ را كوچك كوچك کردند و خوردند و قوی شدند و سایرین ضعیف بعضی که عاقل بودند لقمه های درشت درشت را بلعیدند تا کم کم قوی شدند وضعیات دنیا و غفلت سابقین ما و وضعیات جغرافیائی مملکت ما ما را مبتلا کرده بدو دولت بزرگ همسایه آن وقت بعضی از سلاطین هم شاید ملتفت شدند مثل مرحوم ناصرالدین شاه شاید ملتفت شده بودند که ما دو دولت بزرگ همجوار پیدا کرده ایم البته مقتضای وضعیت ما مقتضای دیانت ما باین دول سلم و صلح است دیانت ما در این زمان اقتضای تعرض و حمله ندارد مگر اینکه متعرضان بشوند و وقتی که متعرض ما شدند البته هر ضعیفی را اگر کسی متعرض شد باید بقدر مقدور و مسور عقلا دیانتاً سیاستاً در صدد دفع و رفع بر آید همیشه دولتهای ما چه در طرز سابق و چه در حالیه مراقب بودند که یا این دو دولت بزرگ غنی و قوی و اعقل و عاقل بنحو مساومت رفتار نمایند و همین قسم که فرمودند روابط حسنه با آنها داشته باشیم و همینطور هم مشی کرده اند و سالها و عمرها گذراندند تا اینکه بزمان ما رسید یعنی انقلاب ایران برپا شد و ملت پیدار شد و حکومت پکنفری بحکومت ملی

مبدل شد مسمی باسم دولت مشروطه البته این ها بقدر قوه خودشان در این مسئله هوشیار بودند که هم مراقب بیابان خشک و هم مواظب دریای تری باشند یعنی مراقب دو همسایه خردمان که دو دولت قوی و غنی بودند باشند

البته معلوم است بعد از اینکه دنیا تولید چنین دول بزرگی را کرد بالطبع آن دول بزرگ هم به یکدیگر نظر دارند خصوصاً اگر رفته رفته لقمه ها کم شود بین آنها رقابت تولید میشود این مسئله و این حالت در تمام دنیا و همچنین در ایران بود تا جنگ عمومی شروع شد وقتی این جنگ بین دول بزرگ دنیا برپا شد بعضی از آنها از حالت عظمت تنزل کردند بعضی بر عظمتشان افزوده شد ما مانديم و يك همسایه يك طرفی و مدتها در رژیم سابق و طرز لاحق میانه این دو دولت بهنجوی زندگی میکردیم که اگر حائلی میانه ما و بحرین اتفاق می افتاد اسامش را عدم وسیله کشتی میکناشتیم و اگر میانه ما و بعضی توابع و بلوکات شمال مانعی اتفاق می افتاد حمل بر قصور ما مورین میکردیم لکن بعد از آنکه یکی از همسایه های ما در نتیجه جنگ عمومی اظهار شد و دیگری ظاهر آن یکی اقوی شد و دیگری قوی ما ما ندیم يك همسایه دوست یا دوست نما یا مادر یار یا بهتر از مادر.

کرفتاری داخله و فقر و فلاکت مردم و يك طرفی بودن همسایه ما را کشید بقرارداد یعنی انحصار ایران بیک نفر دولت همسایه البته بعد از آنکه رقیب طرف نداشته باشد مسلماً بمقتضای صلاح خودش رفتار میکند و تقصیری هم ندارد چه البته هر کس در مقابل نفع و صلاح خودش است بتوفیق خداوند و بیداری ملت ایران از جنگ قرار داد هم خلاصی پیدا شد حتی بوسائل مختلفه هم که متوسل شدند مثل کابینه آقا سید ضیاء الدین (که اسمش را سفید یا سیاه یا همه رنگ می گذارید) باز هم موفقیت پیدا شد و توفیق شامل حال ما باشد و این دوره پارلمان تشکیل شد قبل از اینکه پالمان تشکیل شود بعضی از نمایندگان اساس سیاست را بر آن گذاردند که این آتاری که از همسایه جنوبی باقی مانده است آنها را هم محو نمایند در تحت این سیاست که من هم یکی از آنها بودم این دولت گفته شد که اگر میتوانی این کارها را بکنی بسم الله والا شمارا بخیر و ما را سلامت مشهد جای خوبی است بالاخره بموفقیت و مساعدت نمایندگان که خود آقای مستوفی الممالک هم گرا را در هیئت رئیس وقت که وکیل بودند تشریف داشتند و میدانند به حمد الله موفق شدیم که آثار و خورده ریزهای قرارداد هم از قبیل بیس جنوب و مستشارهائی که میل نداشتم حمد الله تعالی با امره دفع و رفع شد همه تشریف داشتند و دیدند اگر چه بعضی از رفقا چند روز قبل فرمودند در این دوره چندان کاری پیش رفت نکرد

البته صحیح است مقتضی است که برای این مملکت همه روزه احوال اینکارها را بکنیم ولی بقدر قوه و قدرت بعد از اینکه سالهای متعددی فترت ایران طول کشید بعد از آنکه چنگالهائی از طرف يك همسایه بقلب این مملکت فرو رفت يك مدت فقیر و ضعیف بدون اینکه خلاف روابط حسنه رفتار نماید یعنی همان نحوی که رابطه دولت ایران با انگلیس حسن بود بهمان نحو باقی بوده است و خواهد بود معذرت صلاح یا این بود که اثری از آثار يك همسایه در اینجا نباشد موفق هم شدیم بدون اینکه زحمتی بر دولت و ملت و بر پادشاه و بر قوه نظامی مملکت وارد شود و آثار قرار دادیکه از سیئات زمان فترت و چنگ عمومی دولت انگلیس در ایران گذاشته شده بود بحول الله تعالی رفع شد و ماها بیک فراغت بالی بکمال تمام آقایان مشغول شدیم بگذراندن يك لوايح قانونی از قبیل قانون استخدام و ممیزی و چه وجه از جمله قانون نفت بود این قانون خوشبختانه یا بدبختانه وقتی از مجلس گذشت که بنده ناخوش بودم همین قدر آقای حاج شیخ اسدالله تشریف آوردند منزل بنده و فرمودند همچو قانونی به مجلس آمد و چند ساعته گذرانیدم بنده عرض کردم خوب نبود بگذرانید می خواستید به بنیاد نوبس چیزی هست یا نیست بعد که بیدار و هشیار شدیم من سوء ظن پیدا کردم و احتمال دادم سرانگشت کوچک همان کسی که میل نداشتیم داخل این مملکت بشود حالا میخواهد داخل شود لهذا انحصار استاندارد را بکمال تمام آقایان نمایندگان و موافقت دولت تبدیل کردیم بامتیاز عمومی امریکائی که باز شائبه اینکه یکی از همسایه ما در این امتیاز دست دارد نباشد و مسئله را از دنیای کهنه انداختیم بدنیای نو و مستخدمینی که غالباً از دنیای کهنه می-آوردیم بنا گذاریم که از دنیای نو بیاوریم و بفرغت بال موفقیت خود را از جانب خدا مشاهده کردیم بنده از جانب خود می گویم و یقین دارم همه ملت ایران و نمایندگان هم صاحب این عقیده اند زیرا منشاء تمام آنها یکی است منشاء سیاست ما دیانت ما است ما نسبت بدول دنیا دوست هستیم چه همسایه چه غیر همسایه چه جنوب چه شمال چه شرق چه غرب و هر کسی معترض ما بشود معترض آن میشود هر چه باشد هر که باشد بقدری که از زمان بر میآید و ساخته است همین مذاکره را با مرحوم صدر اعظم شهید عثمانی کردم گفتیم که اگر يك کسی از سرحد ایران بدون اجازه دولت ایران بایش را بگذارد در ایران و ما قدرت داشته باشیم او را با تیر میزنیم و هیچ نمی بینم که کلاه سستی سرش است یا عمامه یا شاپو بعد که گلوله خورد دست میکنم به بینم خفته شده است یا نه اگر خفته شده است بر او نماز میکنم و او را دفن مینمائیم و الا که

هیچ یس هیچ فرق نمیکند دیانت ما عین سیاست ما هست سیاست ما عین دیانت ما است ما با همه دوستیم مادامی که با ما دوست باشند و متعرض ما نباشد همان قسم که ما دستور العمل داده شد است رفتار میکنیم این وضعیات با این حال خوشگذشت تما اینکه کابینه آقای مستوفی الممالک روی کار آمدن با اخلاص که بایشان داشتیم و با مرادده که با شخص ایشان داشتیم با رفقای خود که هم سفر و هم سیاست بودیم نزاع داشتیم ولی نزاع ما در سر صغری است و در کبرویات با هم نزاعی نداریم و موافق هستیم سیاست ما در صغری است ما فیل نداریم یسه هم نداریم تمام ادارای يك سیاست هستیم.

خلاصه با آن سابقه که داشتیم که آقای مستوفی الممالک استعدادشان استعداد منع نیست چون استعداد ها مختلف است بعضی استعداد منع دارند بعضی استعداد سکوت در مهاجرت در زمان جنگ عمومی که همان مهاجرت هم در کابینه آقا فراهم آمد و بنده هم یکی از مهاجرین بودم آن هم صلاح مملکت نبود معذرت مقرر هم آقا نبود تا بحال هم مقصرشان نمیدانم اینها قصور است و من عقیده ام این است که در این زمان نسبت سیاست خارجه قصور مضراست نسبت بکابینه آقا که اینچنان تشریف دارن بنده بهیچکدام از این اشخاص اعتراض ندارم و همه را خوب میدانم يك عملیاتی هم کرده اند شاید بعضیش خوب و بعضی هم بد باشد ولی مورد تعرض بنده نیست و هرگز هم متعرض نمیشوم لکن اینجالبدم متعرض بشوم چون در بعضی جرایم مینویسند که شاید بنده از آقا توقعاتی دارم.

من ده رئیس الوزرا و چهار پنج وزیر را دیدم ورد کردم اگر هر کدام از اینها در این مجلس مدعی شد که مدرس يك توقعاتی از من کرده است آن شخص خیلی مرد است يك کاغذ در هیچ کابینه ندارم هیچ تقاضائی از کسی نکرده ام این حرفها را باید گذارد بجهت موقع خودش از مسئله دور نشوم بعد از آنکه آقا قبول این مقام را کردند در پروگرام ایشان که مذاکره میشد عرض کردم روابط حسنه مختلف است رژیم قدیم روسیه رفت و خوب هم شد رفت يك عاقل و متهور بود در مقابل رفیقش که اقل شجاعی بود دیدید که همیشه در زحمت بودند و آن رژیم تبدیل شد به يك وضعیاتی که من هنوز اسمش را بلد نیستم حالا بعد بزرگ شود و اسمی پیدا کنند آنها يك مسئله ایست باید وضعیت سیاست ما بهمان قسمی که با آن همسایه حسن است باید مراقب هم باشیم که نفع ما از میان نرود نسبت به همسایه دیگر هم حسن باشد و مواظب باشیم که ضرر آنها بامتوجه نشود تا انشاء الله الرحمن منجر بیک استعکامی و اساسی بشود این همسایگی طبیعی است

اگر در همسایگی خانه يك شخص يك وضعیات غیر مناسبی داشته باشد تکلیف آن شخص این است که شب و روز مراقب و بیدار باشد که مبادا از ناحیه او زحمتی برسد بنده نمیگویم آقا یا محترم السلطنه یا کسی دیگر خدای نکرده تقصیری کرده اند خیر بنده دوست داشتم يك حرفی را بنزد صورتیکه آقای وزیر جنگ تشریف نمیداشتند ولی حالا آمده اند من وضعیات بعضی نواحی ایران را در این دو ماهه طوری دیدم که اگر این قوه نظامی که حالا بحمد الله هست اگر نبود زحمت مازید میشد اما این حرف را میخواستیم بزنیم وقتی که ایشان بنام من باب اتقاؤ را در آگم کرده اند و تشریف آورده اند علی ای حال بنده در موقع پروگرام این را پیش بینی کردم و آقا را صاحب استعداد منع ندیدم با وجود اینکه یقین دارم حالت روحیه من نسبت به آقا تفاوتی نکرده است ایشان هم اگر ملالتی پیدا کرده باشند نمیدانم ولی حالات روحیه ایشان هم نسبت بمن تفاوتی نکرده است آن روزی که ایشان تشریف داشتند بنده عرض کردم که مناسب است تقاضای رای اعتماد از مجلس به نمایندگی تمامش برای امروز بود البته وضعیاتی در بعضی از نقاط ایران پیش آمده است که ما بدبختانه از او فرار میکردیم و هر اس داشتیم باز نشنستند و گفتند مأمورین روسیه از اینجا بروند آقا ما خودمان خانه داریم ما خودمان صاحب خانه هستیم صلاح و فساد خودمان را انشاء الله الرحمن میدانیم دولت هم پروتست نکرد آخر بچه مناسبت مینشینند و میگویند که مأمورین سیاسی روس از افغانستان و ایران و هندوستان را ردیف میکنند بروند؟ بی گم میکنند لابد اینها از قصور دولت است و از این است که قوه منع نیست ولی باز عرض میکنم تقصیر نیست قوه منع نیست و يك وضعیات و جزئیاتی پیش میآید که منتهی باینجا میشود بن بقدری که از دوم میترسم از اول نمیترسم بعد از آنکه زحمتها کشیده شد و بدوستی کامل منتهی شد و پلیس جنوب رفت اسبها و قاطر هایشان بعضیش را فروخته و بعضی را کشتند تفنگ و فشنگ هایشان را یا بردند یا بعضی اش را آتش زدند و با کمال دوستی رفته آن وقت باز قصور و عدم منع نسبت به بعضی از مسائل که شاید بعضی از آنها صورت قطع داشته باشد و بعضی مطنه و بعضی صورت شك داشته باشد خوب نیست لیکن من حیث المجموع يك حرفی است و ما نمیخواهیم همچو حرفی زده باشیم اگر دولت پروتست نمیکند ما پروتست می کنیم نسبت به همه که ما را بحال خودمان بگذارند صلاح خودمان را خودمان بهتر تشخیص میدهیم اگر يك مأموری برای ما ضرر داشته باشد ما خودمان باید جلو گیری کنیم.

کدام میکنم از اعتراض من آقایان با آنکه هوا مساعد نیست ملالت پیدا کرده اند هر وقت زیاد ملالت پیدا کردند بفرمایند

تابنده کوتاه کنم فکیف کان مناسب نمی - بینم که این دولت های دوست ما خصوص همسایه های ما يك نفرشان تریف ما را بکنند و يك نفرشان مذمت ما را من اگر خوب هستم و اگر بد برای خودم هستم ولی دوست ندارم که يك دولتی یا يك مأمور دولتی چه در اینجا چه در خارجه تریف مرا به نماید و بگوید که فلانکس خیلی خوب است عرض کردم من اگر خوبم برای خودم خوبم اگر بدم برای خودم خلاصه مدت دو ماه سه ماه چهار ماه پنج ماه شش ماه يك سال است که هی قرارداد تجارتي با روسیه می بندند و باز بسته نشده است بعد از آنکه پلیس جنوب و مستشار انگلیس از ایران رفت و جلب مستشار امریکائی شد در همان حال ما با روسها معاهده بستیم از همه دولت ها زودتر ما دولت روس را شناختیم معاهده بستیم بواسطه اینکه عمل کرده باشیم بوظیفه دیانتی مان با خود این من دوست ندارم یکی از این دول نسبت به یکی از رجال ما اظهار تمایل نماید یا نسبت بدیگری اظهار تمایل ننماید رجال ما همه خوبند و هر کدام هم در موقع خود حافظ حقوق و سیاست مملکت ما خواهند بود معذرت عرض بنده اینست که من از هر کسکه برضد مان باشد میترسم از هر دولتی که بخواهد ذره دخالت در امور ما بکند می ترسم و باید توازن عدمی را نسبت به همه مراعات کردند توازن وجودی و لکن از آن عاقل زیادتر باید احتیاط کرد باید عملیاتی که منشاء بشود از برای آنکه يك دولتی مثل انگلیس یا يك مأمور و يك دولت دیگر از ایران تنقید نماید با کمال هوشیاری و بیداری و دوستی از این عملیات باید جلو گیری کرد بنده عرضم این است که در این مطالب قصور و مسامحه شده است چون اضلاع دارم .

و بمقیده من آقا قبل از این میبایستی از مجلس تقاضای رای اعتماد کرده باشند مگر اینکه این عیبی که بنده حس کردم خودشان حس نکرده باشند از اول پروگرام هم مطالبیم همین بود آخر هم مطالبیم این است و همین است استیضاحی که دارم. بحواله تعالی .

رئیس آقای سلیمان میرزا!

(اجازه)

سلیمان میرزا - آقای مدرس امروز هم مثل سایر ایامیکه مذاکره فرموده اند بسیار صحیح و خیلی عادی و جامع الاطراف بود فقط اگر اجازه بفرمائید بنده مطالبی که فرمودید تقسیم کنم به چندین قسمت تا برسیم به استیضاح هم چنانکه خودشان هم فصل به فصل بیان فرمودند يك قسمت از این مطالب را برت مذاکرات و عملیات و اقداماتی که بود که در این چند روزه مابین و کلا شده .

يك قسمت دیگر راجع به نظریات عموم

اهالی این مدینت بود نسبت به همسایها قسمت سوم هم که شاید میتوان گفت آنقسمت راجع باستیضاح بود راجع به سیاست دولت بود .

اما همانطور که خودشان دیشب فرمودند عدم بیانش بیش تر بود تساهل وجودیات

شیخ الاسلام احمد قاضی موجودیانش

راما که نفهمیدیم
سالمینان میرزا بنابر این بنده آنچه که یادداشت کردم عمدتاً مطالبی است که ایشان فرمودند و برای اینکه تمیزی در این عبارات نشود عیناً آنها را نوشتم بیش تر فرمایشات ایشان که راجع بداخله مجلس بود طرف صحبتشان مابودیم .

زیرا امروز میتوان گفت که دو قسمت اصلی در مجلس هست و آن دستجات فرعیه که در سابق بوده اند یعنی آن فرا کسیون های کوچک از بین رفته و فعلاً در آخر مجلس دودسته پیدا شده است که متأسفانه اساس اشتراکشان نظریات حزبی و سیاسی نیست و از اول اگر یک نظریات سیاسی و حزبی داشتند باید خیلی بهتر میبود

سلطان العلماء حزب سیاسی بود

سالمینان میرزا هر وقت آقای سلطان العلماء میل فرمودند جلوی صحبت بنده را بگیرند بنده مذاکره میکنم عیناً تا ساکت میشوم تا ایشان مذاکرات خودشان را بفرمایند البته حزب بود ولی سیاسی نبود و حزب بی سیاست حزب اخلاقی است و حق هم ندارد در کارهای مملکتی مداخله کند و مقصود بنده از حزب این است که سرودست و یاد داشته باشد و شیر بی ده و سرواشکم نباشد و حزبی باشد که سیاست هم مداخله نماید و داخل در جریان سیاست باشد این آرزوی بنده بود حالا آرزوی ایشان هر چه باشد خود دارند باری بر گردیم بفرمایشات آقای مدرس قسمت اول از فرمایشات ایشان راجع بود به سوابقی که بهال آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء داشتند بنده داخل در آن قسمت نمیشوم زیرا شخص آقای مستوفی الممالک یک کسی هستند که محتاج بصحبت و توضیح ایشان نیست و تاریخ زندگانی و اخلاق و اعمال و سوابق ایشانرا همه میدانند و آقای مدرس هم همانطور که فرمودند اشکالی در این قضیه نداشته قطعه بعضی قصورهای را درباره آقا قائل شدند آن قصورهارا هم برای همه کس دردنیا میتوان قائل شد غیر از چهار ده معصوم علیهم السلام که آنها نه تقصیر کردند نه قصور البته همه کس قابل تقصیر و قصور است و در حقیقت این فرمایش یک تمجید فوق العاده بود نسبت به آقا و آن این بود که فرمودند ایشان تقصیر نکرده اند و تصور کرده اند شاید همه ماها تقصیر کرده باشیم ولی ایشان را یک مرحله بالا بردند و

فرمودند که قصور کرده اند و بعد داخل در تاریخچه مجلس شدند و فرمودند در موقع مذاکره در پیرو گرام دولت امتناع کردم و منتظر عملیات در آتیه شدم البته صحیح است در قسمت مجلس همین طور است که فرمودند ولی ما امروز منتظر بودیم بلکه تمام اهالی منتظر بودند و تکیه استیضاح میشود آن عملیاتی که علت این شده امتناع راجع به مخالفت رساننده چه بود و کدام یک از مسائل است؟ و خوب بود آنها را تعداد می فرمودند زیرا اصول حکومت ملی برای این است که عامه بتوانند در پیش خود یک محاسبه بنمایند هم چنین استیضاح یا سایر مطالب برای این است که مطالب بدون پرده اظهار شود و مثل سابق یعنی قبل از مشروطه باشد که مطالب بین شاه و صدراعظم بماند بلکه باید مردم از کلیه امورات مطلع شوند که بعد بتوانند محاسبه نمایند متأسفانه آن عملیاتی که سبب شد امتناع ایشان را باید بمخالفت کرد نشمرند با اگر در ضمن قصور و عدمیات فرمودند بنده که چیزی ملتفت نشدم و همان طور که خودشان فرمودند فرمایشاتشان یک قسمت از عدمیات بود و به عقیده بنده مردم را نمی شود تعداد نمود اگر داخل در عدمیات بشویم خیلی چیزها است که می شود ایراد گرفت و در هر موضوعی گفت که چرا فلانکار را نکرده اند مخصوصاً در قسمت منفی زیرا قسمت منفی طرف را بیشتر حق می دهد که ایراد کند و بعد از آنکه یک عملی گذشت اگر در هر جایش نواقص و قصوری داشت ممکن است بگویند که اگر این کار را میکردی و اینکار را نمی کردی در رفع اشکال میشد .

ولی آقای مدرس در عبارتشان طوری اظهار فرمودند که خیلی قابل تمجید بود و آن این بود که نسبت قصور به دولت دادند فقط یک کلمه متناسب با آن فرمایشاتشان نبود و آن این بود که فرمودند وضعیاتی قسمی است که قابل تحمل نیست این عبارت خیلی سنگین بود و اگر این عبارت را در درسیک مقاله یا در درسیک روزنامه یا در سربک کتاب می نوشتند یا یک کسی در کنفرانس خودش این جمله را عنوان میکرد یا یک شخص سیاسی این حرف را میزد چون بقصد انشاء این حرف را زده خیلی باید در این زمینه صحبت کند و شرح و بسط دهد ولی ایشان فقط بطور مختصر فرمودند و گذشته و بنده منظر بودم پشت سر این عبارت لاف آن چیزیکه قابل تحمل نیست و خیلی سخت و شدید است و اسباب زحمت شده و از قصور هم تجاوز کرده است می فرمودند اقل اگر بطور وضوح نمیخواستند بگویند ممکن بود که ناچاراً ناچاراً بفرمایند تا شخص بتراند در نظر خودش حکایت نماید و این عبارت خیلی بنظر بنده ناقص بود و متعاقب با فرمایشات ایشان نبود شاید خودشان یا سایر آقایانیکه بعد از ایشان

فرمایش میفرمایند این جمله را هم لطفاً توضیح بدهند که مقصود چه چیز بوده است یک قسمت دیگر هم فرمودند که آنچه به عقیده بنده نسبت بقسمتی از و کلا قدری بی انصافی بود و محتاج بتوضیح بود و آن این است که فرمودند ماهی اکثریت تشکیل دادیم و رفقا اقلیت کردند و بالاخره یک عبارت دیگری فرمودند که بنده یادداشت کرده ام فرمودند اکثریت ما را اقلیت کردند بترقیات بهره چه این عبارت عیناً بر میگردد باین عده از آقایان و کلا که اینجا هستند منتهی به قسمت قسمت اول شامل آقای مدرس و رفقای ایشان است که اکثریت ساختند زیرا فرمودند اوضاع مجلس چهارم و اکثریت و اقلیت طوری است که همه میدانند اگر منتهی به همین جمله همه میدانند اکتفاء میکردند که بنده عرضی نداشتم چون همه میدانستند و لازم بتوضیح هم نبود شامل خوب هم بود شامل بنده بود ولی بعد یک جمله دیگر فرمودند که مسئله را قدری کش دار کرد فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه و باید از خود آقای مدرس بی رسم که خودشان این عبارتیکه فرمودند تفسیر بفرمایند زیرا این عبارت مطلب را به قسمت کرد یک قسمت ترتیب اکثریت ساختن آقایان بود که چطور اکثریت ساخته اند با ما چطور اکثریت ساختیم بعد یک قسمت دیگر مبارزه ما بین این دو دسته بود چون باید همه چیزها را مردم بفهمند و بدانند این است که بنده میخواهم همان آهنگی که آقای مدرس (که واقفاً اول شخص هستند که مطالب را با ملامت و آهنگ مخصوص میفرمایند) فرمودند بنده هم ایشان تأسی کنم و با همان آهنگ ایشان را پیروی نمایم و در این موضوع یک شاگردی از طرف ایشان بشوم خواستم از ایشان استعفا نمایم که اگر میل داشته باشند این قسمت را توضیح بدهند نمیتوانم ایشان اعتراض کنم که حتماً فلانطور گفتید چون استیضاح نماینده از نماینده ممنوع است .

لطفاً استعفا کنم توضیح بدهند از یک طرف ترتیب اکثریت و اقلیت ساختن آقایان را فرمودند و از طرف دیگر مبارزه که فیما بین این دودسته واقع شده شرح دادند اما راجع باینکه فرمودند اکثریت ما را اکثریت کردند بنده صاف و ساده میگویم اگر بعد هم توضیح لازم داشته باشد عرض کنم گاهی بعضی از این و کلا با این طرف موافقت کردند گاهی با آن طرف وقتی با اینطرف موافقت کردند زمانی با آنطرف وقتی با دسته که آقای مدرس آنطرف تشریف داشتند موافقت میکردند آنها اکثریت داشتند و ما در اقلیت میماندیم وقتی با ما موافقت میکردند آنها در اقلیت میماندند و مادراً اکثریت .

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

کرد عمل میشود والا در اقلیت می ماند ما در تمام این مذاکرات نخواستیم حرارت ایجاد نمایم چقدر کمیسیون هائی که از طرفین شد وجه در حضور آقای رئیس وجه در خود مجلس وقتی که یک نفر از مستقیبن آن روز رسماً با حرارت میفرمودند دولت معتزل است معتزل است و رفقای ایشان هم مثل امروز میفرمودند صحیح است و این مسئله را صحیح و صریح و قطعی می دانستند و بعد در خارج هم در جرائدشان می نوشتند که امضاهای دولت رسمیت ندارد حرارت ایجاد نکردیم و در همان روزها در خارج مجلس خدمت آقای رئیس و سایر آقایان گفته ایم که ما همیشه در مجلس حاضریم .

یک قسمت دیگر از فرمایشاتشان راجع باصل ۶۷ قانون اساسی بود در اینجا خیلی ملایم و با منانیت فرمایشاتی فرمودند مثل اینکه ماها میخواستم یک کاری بر خلاف قانون اساسی نکنیم و بیکدمه از رفقای آقای مدرس هم وقتی این فرمایش را میفرمودند تصدیق میکردند و صحیح است میگفتند چون ما میخواستیم در هیچ کدام از دو قسمت تولید حرارتی نکنیم نه صحیح است گفتیم - نه صحیح نیست - زیرا اگر ما هم میخواستیم بگوئیم صحیح نیست شاید تولید حرارتی در مجلس میشد آن وقت مسئله ناقص میماند و گفته میشد (مثل اینکه سابقاً هم گفته شد) که ما ما نمیخواهیم استیضاح شود و حاضر برای استیضاح نیستیم تا اینکه این پلنتیک سوزنی از طرف آقا و رفقای ایشان اعمال شد و فرمودند صحیح است ماها صحیح است نگفتیم . صحیح نیست هم نگفتیم و گوش کردیم تا وقتی موقع صحبت بمبارسد یک نفر مان بگویند صحیح است یا صحیح نیست حرارت هم لازم ندارد داد و بیداد و مباحثه لازم ندارد مخصوصاً در همچو روزی تا محتاج باو امر انتظامی آقای رئیس نشود . در هر حال بنده حالا عرض میکنم صحیح نیست و محتاج هم نیست که رفقای بنده هر ایشم را تصدیق نمایند بگویند صحیح است چون همه دارای یک عقیده هستیم ما بهیچوجه نخواستیم بر علیه قانون اساسی عمل کنیم بعکس چنانچه مسلا حظه میفرمائید امروز حق داشتیم این حرف را بزنم چون قانون اساسی هم عمل شد جای شجه هم نیست و همانطور که آقای مدرس فرمودند بارها هم بنده برفقای خودم عرض کرده ام در قانون اساسی و قوانینی که گذشته است ما با یک دیگر اختلافاتی نداریم اگر در بعضی مسائل اختلافاتی تولید میشود در جزئیات امور سیاسی است چون وظیفه و کیل است که در سیاست مداخله کند و نظریات خود را آزادانه صاف و ساده بگوید و ترتیب اداره امور را بنظر خودش بگوید حالا اگر اکثریت پیدا

بگذرانیم ولی اگر بخواهیم یک سوابق تازه در این آخردوره چهارم بیاد کار بگذاریم بماند نیست زیرا تازه این اولین اصل از اصول قانون اساسی نیست که مورد تردید اگر فراموش نفرموده باشند وقتی که قانون انتخابات را خواستند نظری نمایند اینجا راجع بدوسال صحبت شد بعضی از آقایان عقیده داشتند که و کلا میتوانند دو سال سه سال یا چهار سال قرار بدهند و همین طور هم کمیسیون پیشنهاد کرده بود یک عدد دیگر که بنده هم جزو آنها بودم می گفتیم اصل ۵۰ قانون اساسی میگوید که قابل تغییر نیست و حتماً عمر مجلس میباید دوسال باشد طرف مقابل هم که آقای ملک الشعراء بودند میفرمودند ماده ۵۰ در دوره دوم (زفراندم) شد مراجعه بافکار عمومی شده و تفسیر شده است و بیش از دو سال هم میشود قرار دارد .

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

دولت بود ممکن است بایک استیضاحی برود و هر روزی که برای استیضاح مین نمایم دولت مخالفت نمیکند و میآید جواب میدهد برخلاف آنچه که در خارج شهرت داده بودند بعضی جرائد آن جملات بی اساس را می نوشتند عوض اینکه ما آن جملات را تکذیب کنیم .

حالا علماً تکذیب کنیم که نه و کلا ونه هیئت دولت مخالفت نمیکند و حاضر برای استیضاح هم هستند و در کمال سکوت و آرامی مشغول گوش کردن هستند جواب هم خواهند شنید پس تمام آن فرمایشات خارج و داخل علماً تکذیب شد و ما هم منتظر همچو روزی بودیم که عامه را متوجه نمایم و متذکرشان بشویم که این حرفهائی که نوشته میشد بی اساس است الحمد لله که امروز ما هم دیدیم که موافقت دولت و خود دولت هیچ وجه غیر از آنچه که قانون مقرر فرموده است نظر دیگری ندارند و هر وقت نصف بعلاوه یک از و کلا نسبت بدولت اظهار اعتماد کردند که باقی هستند و هر وقت نکردند باقی نیستند مافقط میگفتیم باید مطابق قانون رفتار شود و اگر از اول هم به همین ترتیب استیضاح شده بود هم وقت کمتر صرف میشد هم سابقه بدی در مجلس باقی نمیماند والا هم تکلیف معین شده بود بنا بر این ما میخواستیم یک دفعه دیگر یاد آور شویم که بدون اینکه ما بخواهیم به رفقای مخالف خودمان اشکال کنیم میگوئیم آن ماده ۶۷ را که شما قطعی و قابل اجری میدانید عیناً مثل همان دوسالی است که در قانون انتخابات جدید میخواستید زیاد تر تعیین نمایند و ما میگفتیم خرید و سال ثابت است و هیچ شك و ششه ندارد . حالا معامله بود و هیچ خیال دیگری نداشتیم که یک مخالفتی با قانون اساسی کرده باشیم و هم چنین نمیخواستیم یک سوابقی در مجلس باقی بماند اینجا آقای مدرس بعضی فرمایشات با کمال لطف و مرحمت و بایک جمله خیلی کوچک یک مطالبی را میفرمایند و فوراً میگردد بنده هم آن جمله های کوچک را مواظب بودم و می نوشتم که از قلم نیفتاده باشد حالا با نهایت ادب و احترام عرض میکنم یکی راجع بمسئله آرد راموضوع استیضاح خود فرار داده باشیم مسئله آرد تمام شد وطنی شد و رفت یک جمله خیلی عالی نراکت آمیز بما فرمودند که شاید یک قسمت از رفقای بنده ملتفت نشده یا ملتفت شدند و سکوت کردند زیرا مطابق لاین اصلی که مادر مجلس اتخاذ کردیم خواستیم چیزی نگوئیم تا اینکه نوبت بمبارسد و یاد آوری کنیم (آرد روز

دولت بود ممکن است بایک استیضاحی برود و هر روزی که برای استیضاح مین نمایم دولت مخالفت نمیکند و میآید جواب میدهد برخلاف آنچه که در خارج شهرت داده بودند بعضی جرائد آن جملات بی اساس را می نوشتند عوض اینکه ما آن جملات را تکذیب کنیم .

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

دست داشته باشیم صحبت کنیم خوب بود ولی چون گفتگو در عدمیات بود که چطور شد که نشد البته هیئت دولت خودشان صحبت میکنند .

اما بنده در مسئله عدمیات یک چیز کوچککی یاد آمده که آنهم شاید در دوره چهارم موقع استفاده اش بود و گذشته است آنرا هم بنده مثل مسئله آرد می گویم و رد میشوم چنانچه آقای مدرس یک کلمه آردی فرمودند و رد شدند . (خنده بین نمایندگان) بنده هم میگفتمم و رد میشوم و آن مسئله کنفرانس لوزان است که آنجا هم بعضی عدمیات پیش آمد و بنده هم عرض می کنم و رد میشوم .

اما راجع به قسمت اساسی همانطور که ایشان فرمودند بنده کاملاً با ایشان موافقم البته ایرانها باید عموماً وطن خود را دوست بدارند و اگر غیر از این باشد بکلی اشتباه است زیرا ماها عموماً وطن خود را دوست داریم و هیچ فعلی بما نمی چسبد ایرانی ها بقل دارند بنده سایرین زحمت بیهوده میکنند همان طور که فرمودند البته و کلائی که اینجا نشسته اند آزادانه می توانند نظریات اساسی و سیاسی خودشان را بگویند و هر کس که در سیاست وارد میشود می تواند نظریات خود را بطوریکه معتقد است اظهار نماید و کسی نمیتواند جلواور را بگیرد پس این سیاست دو قسمت است :

سیاست داخلی و سیاست خارجی .

این مملکت که باب تهمت باز است و بهمه چیز حتی عقاید مذهبی حمله میشود . گرچه تقصیر مملکت هم نیست زیرا از قرون سابقه الی حال کم کم این اخلاق در مردم جلی شده بهر کس که دیدند جوابهای منطقی او را نمیشود رد کرد فوراً یک عبارت زنده بدست میآورند که او را در انتظار عموم مقصر قلم داد کنند در تمام تواریخ عالم نوشته شده و همه کس دیده است چنانچه رؤساء و بزرگان قدیم هم همین عقیده را داشتند . وقتی کسی نتواند جواب طرف را منطقی بدهد یک نسبتی باو میدهد که اسباب انزجار مردم از او بشود و البته اگر نسبت از راه مذهبی باشد مردم را بیشتر متفرق میکند و در مملکت که ترتیب معاش که و مجازات نیست و ممکن است نسبت بیک نفر که فوق العاده طرف توجه مردم است و از او سائلتر و زاهد تر در نظر مردم کسی دیگر نباشد هر وقت بخواهند او را منظور نظر نامه کنند فوراً یک فوق العاده منتشر میکنند بر فرض فراهم که او را به محاکمه جلب کردند بقدری محاکمات در عدلیه هست که بالاخره با طول میکشد یا دولت عرض میشود پس معاکمه و مجازاتی در این اتهاماتیکه نسبت میدهند و حملات بی رویه که میکنند نسبت تا آن کسی که فوق العاده را مینویسد یک اسناد و مدارکی

رشدن عطف میشود به مسئله استیضاح که ما از آقای قوام السلطنه کردیم که اساعه هم خودشان در اینجا تشریف دارند استیضاح ایشان نتهاراجع به (آرد) نبود راجع به گفتگوی مولیوتور و آن اسناد متصل بود از جمله تحقیقات بلیط های مجانی جزو آن صوت هائی که در اینجا خوانده شد یک چهارده تومان یا بیست تومان برای عمل دو خروار آرد بود اگر اشتباه نکرده باشیم در تقدیم و تأخیر عبارات گویا خود آقای قوام السلطنه در موقمی که دفاع میفرمودند فرمودند که مسئله آرد را که ما به روس سفیدی است خود آقای وزیر توضیح میدهند حالا از این طرف از آن طرف بنده اطلاع ندارم امامامیدانم در مسئله آرد ایشان دفاع فرمودند و زود در شد نامروز آقای مدرس میفرمایند (آرد) ورد میشوند آن استیضاح آن وقت هم تنها مسئله آرد نبود و خیلی چیزها بود که در دست خانه واقع شده بود چنانچه اغلب آقایانی که آن روز در مجلس تشریف داشتند و یا در روزنامه ها خوانده باشند اطلاع دارند . آقایان تند نویس ها ضبط کرده اند خواستم یاد آوری کنم حالا خوشبختانه آقای وزیر جنک تشریف ندارند آنچه که ایشان میخواستند در حضورشان بگویند بنده میخواهم در قیاب ایشان بگویم و آن این بود که گفته (آقای وزیر جنک را ما را کم کرده اند) بنده گمان نمیکند وزیر جنک مملکت ایران که قشون مملکت را اداره کرده اند در مجلس را کم کرده باشند بنده در کمال منانیت همیشه در اینجا میگفتمم که وزراء باهم (مولیه ارتبه) دارند یعنی مسئولیت مشترک باهم دارند ایشان هم با آن خصایص عالی که دارند با هر دولتی که هستند تا آخرین ساعت در نهایت (مولیه ارتبه) مسئولیت مشترک با آن دولت را دارند امروز هم تشریف آورده اند و البته خود را هم مسئول در کارها میدانند و البته همه ماها هم کلاماً متشکر هستیم در اقداماتی که ایشان در موضوع مملکت نموده اند حالا هم که اینجا تشریف ندارند بنده عرض میکنم که تنها ماها بلکه همه اشخاص که تفاوت بین خدمت و خیانت را میتوانند بدهند تصدیق خواهند کرد که عملیات ایشان قابل تمجید است و زحماتی که در نظام کشیده اند و اقداماتی که برای انتظامات کرده اند کاملاً با بیاناتیکه آقای مدرس فرمودند بنده هم موافقم از قبیل فرستادن شاگرد با روپا و سایر عملیاتی که هر روز مشغول آن هستند اما در مسئله قصور که فرمودند بنده همان طور در آن جلسه که صحبت استیضاح بود عرض کردم آنچه راجع بدولت است خود دولت جواب خواهد داد داخل در این قضیه هم نمیشوم و اگر چنانچه آقایان قبلاً موضوع استیضاح را معین کرده بودند ما هم قبلاً اسناد و مدارک خودمان را تهیه میکردیم که در

دولت بود ممکن است بایک استیضاحی برود و هر روزی که برای استیضاح مین نمایم دولت مخالفت نمیکند و میآید جواب میدهد برخلاف آنچه که در خارج شهرت داده بودند بعضی جرائد آن جملات بی اساس را می نوشتند عوض اینکه ما آن جملات را تکذیب کنیم .

حالا علماً تکذیب کنیم که نه و کلا ونه هیئت دولت مخالفت نمیکند و حاضر برای استیضاح هم هستند و در کمال سکوت و آرامی مشغول گوش کردن هستند جواب هم خواهند شنید پس تمام آن فرمایشات خارج و داخل علماً تکذیب شد و ما هم منتظر همچو روزی بودیم که عامه را متوجه نمایم و متذکرشان بشویم که این حرفهائی که نوشته میشد بی اساس است الحمد لله که امروز ما هم دیدیم که موافقت دولت و خود دولت هیچ وجه غیر از آنچه که قانون مقرر فرموده است نظر دیگری ندارند و هر وقت نصف بعلاوه یک از و کلا نسبت بدولت اظهار اعتماد کردند که باقی هستند و هر وقت نکردند باقی نیستند مافقط میگفتیم باید مطابق قانون رفتار شود و اگر از اول هم به همین ترتیب استیضاح شده بود هم وقت کمتر صرف میشد هم سابقه بدی در مجلس باقی نمیماند والا هم تکلیف معین شده بود بنا بر این ما میخواستیم یک دفعه دیگر یاد آور شویم که بدون اینکه ما بخواهیم به رفقای مخالف خودمان اشکال کنیم میگوئیم آن ماده ۶۷ را که شما قطعی و قابل اجری میدانید عیناً مثل همان دوسالی است که در قانون انتخابات جدید میخواستید زیاد تر تعیین نمایند و ما میگفتیم خرید و سال ثابت است و هیچ شك و ششه ندارد . حالا معامله بود و هیچ خیال دیگری نداشتیم که یک مخالفتی با قانون اساسی کرده باشیم و هم چنین نمیخواستیم یک سوابقی در مجلس باقی بماند اینجا آقای مدرس بعضی فرمایشات با کمال لطف و مرحمت و بایک جمله خیلی کوچک یک مطالبی را میفرمایند و فوراً میگردد بنده هم آن جمله های کوچک را مواظب بودم و می نوشتم که از قلم نیفتاده باشد حالا با نهایت ادب و احترام عرض میکنم یکی راجع بمسئله آرد راموضوع استیضاح خود فرار داده باشیم مسئله آرد تمام شد وطنی شد و رفت یک جمله خیلی عالی نراکت آمیز بما فرمودند که شاید یک قسمت از رفقای بنده ملتفت نشده یا ملتفت شدند و سکوت کردند زیرا مطابق لاین اصلی که مادر مجلس اتخاذ کردیم خواستیم چیزی نگوئیم تا اینکه نوبت بمبارسد و یاد آوری کنیم (آرد روز

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

بسیار این اشکالی نداشت بعقیده من البته هر قدر نظریات سیاسی و کیل ثابت تر باشد بهتر است ولی عبارتی که فرمودند بترقیات بترقیات بهره چه بیکدمه از و کلائی که چه در اینجا هستند وجه در خارج میدانم صدق میکنند یا نمیکند ولی نسبت بنده و آقای مدرس ابتدا صدق نمیکند زیرا ما و یک قسمت از اولاً که موافق بودیم موافق بودیم و اگر مخالف هم بودیم همان حال باقی بودیم و این عبارت شاید در قسمت دوم اثر نکند و یک عده از و کلا که اسامی شان را همه در خارج میدانند و خودشان اینجا هستند باید توضیح بدهند تا آنها هم بفهمند چون راجع به حیثیات و کالتی است و بهتر این بود یا نمیکند یا ترجمه می کردند .

دست داشته باشیم صحبت کنیم خوب بود ولی چون گفتگو در عدمیات بود که چطور شد که نشد البته هیئت دولت خودشان صحبت میکنند .

اما بنده در مسئله عدمیات یک چیز کوچککی یاد آمده که آنهم شاید در دوره چهارم موقع استفاده اش بود و گذشته است آنرا هم بنده مثل مسئله آرد می گویم و رد میشوم چنانچه آقای مدرس یک کلمه آردی فرمودند و رد شدند . (خنده بین نمایندگان) بنده هم میگفتمم و رد میشوم و آن مسئله کنفرانس لوزان است که آنجا هم بعضی عدمیات پیش آمد و بنده هم عرض می کنم و رد میشوم .

اما راجع به قسمت اساسی همانطور که ایشان فرمودند بنده کاملاً با ایشان موافقم البته ایرانها باید عموماً وطن خود را دوست بدارند و اگر غیر از این باشد بکلی اشتباه است زیرا ماها عموماً وطن خود را دوست داریم و هیچ فعلی بما نمی چسبد ایرانی ها بقل دارند بنده سایرین زحمت بیهوده میکنند همان طور که فرمودند البته و کلائی که اینجا نشسته اند آزادانه می توانند نظریات اساسی و سیاسی خودشان را بگویند و هر کس که در سیاست وارد میشود می تواند نظریات خود را بطوریکه معتقد است اظهار نماید و کسی نمیتواند جلواور را بگیرد پس این سیاست دو قسمت است :

سیاست داخلی و سیاست خارجی .

این مملکت که باب تهمت باز است و بهمه چیز حتی عقاید مذهبی حمله میشود . گرچه تقصیر مملکت هم نیست زیرا از قرون سابقه الی حال کم کم این اخلاق در مردم جلی شده بهر کس که دیدند جوابهای منطقی او را نمیشود رد کرد فوراً یک عبارت زنده بدست میآورند که او را در انتظار عموم مقصر قلم داد کنند در تمام تواریخ عالم نوشته شده و همه کس دیده است چنانچه رؤساء و بزرگان قدیم هم همین عقیده را داشتند . وقتی کسی نتواند جواب طرف را منطقی بدهد یک نسبتی باو میدهد که اسباب انزجار مردم از او بشود و البته اگر نسبت از راه مذهبی باشد مردم را بیشتر متفرق میکند و در مملکت که ترتیب معاش که و مجازات نیست و ممکن است نسبت بیک نفر که فوق العاده طرف توجه مردم است و از او سائلتر و زاهد تر در نظر مردم کسی دیگر نباشد هر وقت بخواهند او را منظور نظر نامه کنند فوراً یک فوق العاده منتشر میکنند بر فرض فراهم که او را به محاکمه جلب کردند بقدری محاکمات در عدلیه هست که بالاخره با طول میکشد یا دولت عرض میشود پس معاکمه و مجازاتی در این اتهاماتیکه نسبت میدهند و حملات بی رویه که میکنند نسبت تا آن کسی که فوق العاده را مینویسد یک اسناد و مدارکی

دست داشته باشیم صحبت کنیم خوب بود ولی چون گفتگو در عدمیات بود که چطور شد که نشد البته هیئت دولت خودشان صحبت میکنند .

اما بنده در مسئله عدمیات یک چیز کوچککی یاد آمده که آنهم شاید در دوره چهارم موقع استفاده اش بود و گذشته است آنرا هم بنده مثل مسئله آرد می گویم و رد میشوم چنانچه آقای مدرس یک کلمه آردی فرمودند و رد شدند . (خنده بین نمایندگان) بنده هم میگفتمم و رد میشوم و آن مسئله کنفرانس لوزان است که آنجا هم بعضی عدمیات پیش آمد و بنده هم عرض می کنم و رد میشوم .

اما راجع به قسمت اساسی همانطور که ایشان فرمودند بنده کاملاً با ایشان موافقم البته ایرانها باید عموماً وطن خود را دوست بدارند و اگر غیر از این باشد بکلی اشتباه است زیرا ماها عموماً وطن خود را دوست داریم و هیچ فعلی بما نمی چسبد ایرانی ها بقل دارند بنده سایرین زحمت بیهوده میکنند همان طور که فرمودند البته و کلائی که اینجا نشسته اند آزادانه می توانند نظریات اساسی و سیاسی خودشان را بگویند و هر کس که در سیاست وارد میشود می تواند نظریات خود را بطوریکه معتقد است اظهار نماید و کسی نمیتواند جلواور را بگیرد پس این سیاست دو قسمت است :

سیاست داخلی و سیاست خارجی .

این مملکت که باب تهمت باز است و بهمه چیز حتی عقاید مذهبی حمله میشود . گرچه تقصیر مملکت هم نیست زیرا از قرون سابقه الی حال کم کم این اخلاق در مردم جلی شده بهر کس که دیدند جوابهای منطقی او را نمیشود رد کرد فوراً یک عبارت زنده بدست میآورند که او را در انتظار عموم مقصر قلم داد کنند در تمام تواریخ عالم نوشته شده و همه کس دیده است چنانچه رؤساء و بزرگان قدیم هم همین عقیده را داشتند . وقتی کسی نتواند جواب طرف را منطقی بدهد یک نسبتی باو میدهد که اسباب انزجار مردم از او بشود و البته اگر نسبت از راه مذهبی باشد مردم را بیشتر متفرق میکند و در مملکت که ترتیب معاش که و مجازات نیست و ممکن است نسبت بیک نفر که فوق العاده طرف توجه مردم است و از او سائلتر و زاهد تر در نظر مردم کسی دیگر نباشد هر وقت بخواهند او را منظور نظر نامه کنند فوراً یک فوق العاده منتشر میکنند بر فرض فراهم که او را به محاکمه جلب کردند بقدری محاکمات در عدلیه هست که بالاخره با طول میکشد یا دولت عرض میشود پس معاکمه و مجازاتی در این اتهاماتیکه نسبت میدهند و حملات بی رویه که میکنند نسبت تا آن کسی که فوق العاده را مینویسد یک اسناد و مدارکی

دست داشته باشیم صحبت کنیم خوب بود ولی چون گفتگو در عدمیات بود که چطور شد که نشد البته هیئت دولت خودشان صحبت میکنند .

اما بنده در مسئله عدمیات یک چیز کوچککی یاد آمده که آنهم شاید در دوره چهارم موقع استفاده اش بود و گذشته است آنرا هم بنده مثل مسئله آرد می گویم و رد میشوم چنانچه آقای مدرس یک کلمه آردی فرمودند و رد شدند . (خنده بین نمایندگان) بنده هم میگفتمم و رد میشوم و آن مسئله کنفرانس لوزان است که آنجا هم بعضی عدمیات پیش آمد و بنده هم عرض می کنم و رد میشوم .

اما راجع به قسمت اساسی همانطور که ایشان فرمودند بنده کاملاً با ایشان موافقم البته ایرانها باید عموماً وطن خود را دوست بدارند و اگر غیر از این باشد بکلی اشتباه است زیرا ماها عموماً وطن خود را دوست داریم و هیچ فعلی بما نمی چسبد ایرانی ها بقل دارند بنده سایرین زحمت بیهوده میکنند همان طور که فرمودند البته و کلائی که اینجا نشسته اند آزادانه می توانند نظریات اساسی و سیاسی خودشان را بگویند و هر کس که در سیاست وارد میشود می تواند نظریات خود را بطوریکه معتقد است اظهار نماید و کسی نمیتواند جلواور را بگیرد پس این سیاست دو قسمت است :

سیاست داخلی و سیاست خارجی .

این مملکت که باب تهمت باز است و بهمه چیز حتی عقاید مذهبی حمله میشود . گرچه تقصیر مملکت هم نیست زیرا از قرون سابقه الی حال کم کم این اخلاق در مردم جلی شده بهر کس که دیدند جوابهای منطقی او را نمیشود رد کرد فوراً یک عبارت زنده بدست میآورند که او را در انتظار عموم مقصر قلم داد کنند در تمام تواریخ عالم نوشته شده و همه کس دیده است چنانچه رؤساء و بزرگان قدیم هم همین عقیده را داشتند . وقتی کسی نتواند جواب طرف را منطقی بدهد یک نسبتی باو میدهد که اسباب انزجار مردم از او بشود و البته اگر نسبت از راه مذهبی باشد مردم را بیشتر متفرق میکند و در مملکت که ترتیب معاش که و مجازات نیست و ممکن است نسبت بیک نفر که فوق العاده طرف توجه مردم است و از او سائلتر و زاهد تر در نظر مردم کسی دیگر نباشد هر وقت بخواهند او را منظور نظر نامه کنند فوراً یک فوق العاده منتشر میکنند بر فرض فراهم که او را به محاکمه جلب کردند بقدری محاکمات در عدلیه هست که بالاخره با طول میک

برای خودش تهیه کند چنانچه اورا معاً که
کنند اسناد خود را ارائه
بدهد و بهترین ترتیب این است که این
قبیل مضاب از مجلس شروع شود و همان
طور که آقا فرمودند بنده معتقد هستم که
اشخاصی که در این مملکت کار میکنند
برای غیر مملکت است و برای آنها هم
تفاوتی نیست و با ما هم دوست هستند ولیکن
دوستی ما هم فرع دوستی خودشان است اول
خودشان و منافع مملکتشان دوست هستند
بعد با ما و اینکه فرمودند نفعه های کوچک
و بزرگ درش بود و اقل واقوی هم بود و
بالاخره نتیجه اش هم درست بود که
ماه مسافهائی که داریم روابطمان با تمام آنها
دوستانه و صمیمانه است مادام که آنها بما
خیال سوئی نداشته باشند تا آن ساعتی که
بصرفه مملکت کار کردند با آنها هستیم
و آن ساعتی که بضرر مملکت کار کردند
با آنها بنسبت مخصوصاً این مسئله در جنگ
عمومی خیلی خوب معلوم خواهد شد بادر
مهاجرت یا غیر مهاجرت فرق نمیکرد ولی
در هر دو قسمت ایرانی ها بودند بنده که در
اسلامبول نبودم ایشان یا قطب یا شا یا به
انور یا شا فرموده باشند همه ما با بنکرار
میکنیم که ما با جمیع دنیا دوست هستیم
که آنها هم احترامات ما را واجب شمرده
و ما را دوست بدارند هر ساعتی که بران
عملیات آنها تجاوزهائی بماندنی حقوق ما بشود
از هر جیب ما میتوانیم به آنها اعلان مغاصه
بدهیم چنانچه دادیم و در تاریخ مجلس بوده
است چه در موقع التیام روس و چه در
سایر مواقع يك اشخاصی بوده اند و هستند
که بعد از آن تعالی امتحانات خود را داده
اند و حاضر هستند که از هیچ تهدید و تلمیح
وقوه وحشت نکنند در مقابل خیر مملکت
بایستند و حرف خود را بزنند و انشاء الله
روز بروز عده این اشخاص زیاد شود و
اطلاع بحال همدیگر پیدا کنند و البته
بواسطه عملیاتشان همدیگر را میشناسند و
روز بروز هم جلو میروند و این سوء تفاهم
هم رفع میشود که ما را نمیتوانند فریب
دهند با آلت دست خودشان قرار بدهند و
مطالب دیگری را چاق بقرارداد تجارتنی یا
سایر مذاکراتی که در کنفرانسها و خارج
شده است فرمودند بنده داخل در اصول
قضیه نمیشوم البته آقای ذکاء الملک وزیر
امور خارجه و آقای رئیس الوزرا خودشان
شرح میدهند و مطلب مکشوف میشود
و در ضمن عبارت فرمودند که رجال ما هم
خوب هستند بنده هم معتقد هستم که در
مملکت بد پیدا نمیشود همه خوب هستند
برای اینکه همه ایرانی هستند و مملکت
خود را دوست میدارند و بالاخره در کلیات
مخالفتی ندارند
در هر موقع که يك خطری برای مملکت
پیش آمده است دیده ایم آن اشخاص که
در مملکت غیر معروف هستند و ما هم مردم در

نهایت صمیمت حاضر شده اند مذاکره نمایند
و فداکاری کنند و حفظ استقلال مملکت
خودشان را بکنند همه هستند فقط و
فقط این است که از مشروطیت ما پیش
از ۷۸ و ۸۰ سال نگذشته است که معلوم
شود حدود اظهار عقیده يك شخص تاجه
اندازه است اگر من در يك مسئله با آقای
مدرس مخالف هستم این هیچ مانع نخواهد
نخواهد بود که بنده کمال ارادت را به ایشان
داشته باشم
مثلاً بنده بعقیده خودم خیال میکنم که اگر
این کار را امروز بکنیم بهتر است طرف خیال
میکند اگر اصلاً این کار را نکند بماند برای
یک ماه دیگر بهتر است ولی البته اگر کثرت
هر چه حکم کرد باید رفتار کرد و غیر از این
راه حلی نخواهد داشت حال این منصفانه
است که چهل نفر اطاعت چهل و یک نفر را
بکنند یا بعضی اوقات بانم برای که يك طرف
اضافه دارد طرف دیگر اطاعت او را بکنند
نیم برای اضافه که هنوز پیدا نشده حالا اگر
خیلی دقیق شویم که اینها منصفانه است یا
نه ؟ داخل در قضیه ما نیست ولی اصول حکومت
ملی همه جا مبنی بر اکثریت است و چنانچه
استیضاح گذشته بدون حرارت و اسباب خوش
وقتی بود و با کمال متانت گذشت امیدوارم که
این استیضاح دومی هم نمونه اولی باشد و
این يك تاریخی بشود برای این دوره مجلس
که مردم بداند ممکن است دو دسته در
مجلس کاملاً در عقاید سیاسی مخالف باشند
و حرف هم بزنند بدون اینکه نسبت بیک
دیگر توهین بکنند و به همین جهت هم در
خارج از این اخلاق بدصرف نظر کنند که
هر کس با آنها مخالف بود
مثلاً گفت از این کوچه بیا یکی دیگر
گفت خیر از آن کوچه برویم آن قدر آنها امات
باوبیندند که اون تواند يك کلمه حرف بزند
البته دولت يك قسمت مخالف و يك قسمت
موافق دارد حرفهایشان را میزنند و در مجلس
هم کثرت حا کم است بعد از آنکه اکثریت
حکم کرد همه مطیع او هستند و در خارج
هم افکار عمومی هر چه حکم کرد مطیع
است همان طور که قانون اساسی معین کرده
از هر کویلیکه خوششان آمده انتخاب میکنند
خوشبختانه مدت آنهم دو سال است و گذشته
میگذرد و چنانچه هفت هشت روز دیگر عمر
این مجلس تمام میشود و وکلای جدیدی
می آیند تاریخ این مجلس را نگاه میدارند
و نظر میکنند هر طور قضاوت کنند و هر چه
بفرمایند البته جریان تازه و دوره ترقی است
رئیس - آقای قوام السلطنه شرحی
دیده نوشته اند و تقاضا کرده اند قرائت
شود
(آقای امیر ناصر بشرح ذیل
قرائت نمودند)
مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
چون شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن
نطق خودشان اشاره کرده اند بکنفرانس

لوزان و همچو معلوم شد که مقصود شان
انبات قصوری نسبت بدولت سابق بوده
تقاضا میکنند این توضیح بنده را در مجلس
قرائت فرمایند که شاهزاده سلیمان میرزا با
سمت ریاست کسبون خارجه دوسیه کنفرانس
لوزان و اقداماتی را که بنده هم در کمیون
خارجه مطالعه نموده ام نتیجه اقدامات بنده
را اگر قصوری در ادای وظیفه بوده در مجلس
اظهار نمایند
رئیس - پیشنهادی است از طرف
آقای آقامیرزا سید حسن کاشانی قرائت
میشود
(شرح ذیل قرائت شد)
چون موقع گذشته است تقاضا میشود
بعد از مذاکرات شاهزاده سلیمان میرزا جلسه
ختم شود که بقیه مذاکرات بماند برای
فردا
(حسن کاشانی)
(همه هم نمایندگان ما
مخالف هستیم)
رئیس - بگذارد اول توضیح بدهند
آقای آقا میرسید حسن کاشانی
(اجازه)
آقای میرزا سید حسن - الان يك
ساعت از ظهر گذشته است و هوا هم گرم
است چون این مسئله باین زودی خاتمه پیدا
نخواهد کرد عقیده ام این است جلسه را
بگذارید برای فردا آقایان تشریف بیاورند
و هر قدر میخواهند مذاکره بفرمایند
رئیس - آقای آقا سید فاضل
(اجازه)
آقای آقا سید فاضل - آقای نصرت الدوله
میل دارند جواب بدهند
نصرت الدوله - خاطر محترم آقایان
را متذکر میکنم که از نقطه نظر مصالح
عمومی و مملکتی خوب است این قضیه را
امروز خاتمه و انجام بدهیم اولاً استدعا دارم
بگذارند هر ارباب خود را بکنم حالا اگر
دولت بعد از اظهارات فصیح و طولانی هم
کار محترم من آقای مدرس اظهاری ندارند
بکنند ما الان حاضریم که دیگر اظهاری
نداشته باشیم و فوراً برای دادن شروع
نمائیم و اگر خیر اظهاری دارند آقای ذکاء
الملک وزیر امور خارجه و آقای رئیس الوزرا
میتوانند اظهارات خودشان را بکنند بعد
هم ما حاضریم بلافاصله با بعد از توضیح مختصری
برویم بیای رای از آن طرف آقایان را متذکر
میکنم که نگران نباشند همه ماها ممکن است
در مجلس صرف نهار بکنیم و تهیه هم شده
است و ممکن است پس از صرف نهار بیاییم
این مسئله را خاتمه بدهیم ولی اگر عرض
بنده را قبول بفرمائید سر نهار برویم پس
از یک ساعت دیگر مجدداً مجلس را تشکیل
بدهیم و بیرون برویم
رئیس - باید رای گرفت پیشنهاد
آقای آقا سید حسن کاشانی آقایانیکه

پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند بفرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . آقای آقا
میرزا علی کازرونی پیشنهاد کرده اند بقیه
مذاکرات بماند برای يك ساعت و نیم
قبل از غروب
(همه هم بین نمایندگان)
آقای میرزا علی کازرونی - اجازه
بفرمائید
رئیس - بفرمائید
آقا میرزا علی کازرونی -
نمایندگان محترم میخواهند حکمت
کنند البته این حکمت مستلزم
این است که یکصدی در مسائل غور کرده
باشند و با این حالت افسرده گی فوق -
العاده که حالا دارند بنده گمان نمی کنم
بتوانند موفق شوند جداتیمین نظری در
قضیه کرده باشند اینست که بنده پیش نهاد
کردم جلسه ختم شود بیرون برای صرف
نهار و یکصدی رفع خستگی شود یک ساعت
به غروب مانده تشریف بیاورند و مذا -
کرات را تجدید نموده و این قضیه را خاتمه
بدهند
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)
حاج شیخ اسدالله - در ختم جلسه
فعلی تصور میکنم آنقدرها اختلاف نظر
نباشد زیرا يك مأموری همه آقایان دارند
و آن گرسنگی است که همه آقایان دارند
گرچه صلاح نیست بیش از این امر به
تاخیر بيفتد و معین شدن تکلیف را خوب نمی -
دانم و هر ساعت هم که بگذرد صلاح نیست
و بنده عقیده دارم چنانچه سابقاً هم -
طور بوده وقتیکه استیضاح شده در تعقیب
آن جلسات تشکیل می شده تا زمانیکه
استیضاح خاتمه یابد فعلاً بنده از آقایان
تقاضا میکنم برای صرف نهار جلسه را ختم
کنند و بعد از صرف نهار ع پیروپ مانده
تشریف بیاورند و جلسه را تشکیل داده و این
قضیه را خاتمه بدهند
رئیس پس رای میکنیم آقایانیکه
پیشنهاد آقای میرزا علی را
آقای میرزا علی - بنده استرداد می -
کنم
رئیس پس تنفس داده می شود
(بعضی از نمایندگان بسیار خوب)
يك ساعت بعد از ظهر جلسه برای
تنفس تعطیل و شش ساعت بعد از ظهر
مجدداً تشکیل گردید
رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)
حائری زاده - بنده منتظر هستم که
هیئت دولت جواب مطالبی که آقای مدرس
فرمودند بدهند بعد بنده مطالبی داشتم
عرض میکنم
رئیس - آقای نصرت الدوله
(اجازه)

وزیر خارجه - چون استیضاح آقای
مدرس در موضوع سیاست خارجی بود و
البته آقایان متوقع هستند که وزیر امور
خارجه در این باب عنواناتی بکنند این
بنده چون خود را پرورده پارلمان میدانم
و به ترتیب پارلمانی هم علاقه مفردی دارم
بعین جریان ترتیبات پارلمانی بسیار متقدم
از آقایان اجازه میخواهم که مقدمتاً راجع
بناقشانی که این اواخر بین نمایندگان و
هیئت دولت در مجلس واقع شده است
توضیحی بدهم تا نیات دولت معلوم بشود
و شاید رفع شبهاتی بشود شبهه که حاصل
شد
این است که بعضی از آقایان تصور
میکنند هیئت دولت حاضره آنطوریکه
باید رعایت قوانین اساسی و اصول پارلمانی
را نکرده اند و حال آنکه دولتیکه ریاست
او با آقای مستوفی الممالک است هیچوقت به
عقیده خودش تخلفی در اصول پارلمانی
نمیکند در موضوع اصل ۶۷ قانون اساسی
که محل اختلاف شده است بعقیده ما اگر
آقایان توجه بفرمایند مطلب خیلی فاضلی
نیست در اصل فراز میگردد در صورتیکه
مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با اکثریت
نامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا
وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر
از مقام وزارت منزل میشود میگردد مجلس
شورای ملی نمیکرد جماعتی یا يك جمع
کثیری از کلاه آقایان توجه بفرمایند وقتی
گفتند مجلس شورای ملی یعنی چه ؟
تحقق این کلمه و این لفظ به چیست ؟
تحقق این لفظ باین نیست که لاقول نصف
بلاه يك نفر از نمایندگان ملت در طهران
حاضر باشند و از آن عده حاضره اهم از این
که نصف بملاهه يك باشد یا بیشتر (ولی نه
کثر) دو نك در محلی که برای مجلس
شورای ملی مقرر شده است حاضر شوند در
نعت ریاست رئیس یا یکی از نایب رئیسها
میتوانند مذا کمره کنند آن وقت مجلس
شورای ملی متحقق است و اگر سه ربع این
عده حاضر بشوند رای هم میتوانند بدهند
پس بنا بر این اصل و تفسیری که مجلس کرده
است وقتیکه گفته میشود هر که مجلس
شورای ملی فلان رای را داده یا عدم رضایت
اظهار کرده معنائش این است و لوجمع کثیری
از نمایندگان عقیده داشته باشند اگر این
شرایط در اظهار عقیده خودشان جمع نباشد
نمیتوان گفت مجلس شورای ملی اظهار رای
خود را نموده است و چون این شرایط
جمع نشده بود و اکثر گفته میشد
که هیئت وزراء اکثریت ندارند یا دارند
بنابراین اساس نبوده این بود که دولت
خود را ذیحق میدانست در اینکه بر حسب
ترتیب سابق خود را دارای اکثریت به
داند تا وقتی که باین طریق که عرض کردم
که به عقیده ما طریق قانونی و پارلمانی
است مطلب ظاهر شده باشد و اما اینکه

هیئت دولت جد کرد در اینکه استادگی
کند تا وقتی که از طرف مجلس شورای
ملی استیضاح شود برای این بود که دولت
از خودش مطمئن بوده و میدانست که در
این مدت قلبی که بر سر کار بوده است يك
خیانت یا يك تقصیری یابک عملیات بدی
نداشته است و اگر چنین تصور کسی کند
اشتباه است و لازم است که این اشتباه رفع
شود این بود که آقای رئیس الوزرا یا
اینکه شاید حس کرده بودند که اکثریت
ندارند و با اکثریت زیادی ندارند برای
اینکه نخواهند بدون اینکه مطلب در
مجلس شورای ملی مبین شود از کار کناره
گیرند بعد از آنکه امروز این استیضاح واقع
شد و آقای مدرس خودشان در بیانناشان
با کمال فصاحت و بلاغت و بنده باید تصدیق
کنم و امتنان نسایم که با کمال نزاکت
تصدیق فرمودند که در این هیئت دولت و
در شخص رئیس الوزرا تصویب و خیانتی
نمیتوان شمرده منتهی اینکه فرمودند از طرف
ایشان شاید قصوری شده باشد مسئله تصور
را اجازه بدهید عرض کنم این مسئله يك
امری است سلیقه و ممکن است به سلیقه
ایشان بنده قاصر باشم ولی به سلیقه خودم
یا کسان دیگر قاصر نیاشم پس در این
باب زیاد نمیتوانم مناقشه کنیم آقای مدرس
در کمال صمیمیت با حسن عقیده که نسبت
با آقای رئیس الوزرا اظهار نمودند این
عقیده را دارند که این شخص قصور کرده
است و عقیده دیگران غیر از این است
امادر موضوع استیضاح بیاناتی که
فرمودند بالاخره چون يك موادی تصریح
نفرمودند و توضیح نکردند که در چه مسائلی
ایراد دارند بقول و فرمایش خودشان اگر
قصوری واقع شده است در چه موضوعی
بوده بنده زیاد در این باب نمیتوانم طول
بیاں بدهم و مختصراً عرض می کنم از طرف
ما قصوری واقع نشده حالاً ایشان میفرمایند
واقع شده یا ممکن است بر ایشان مشتبه
شده باشد و با همان طور که عرض کردم
سلیقه شان این است که تصور واقع شده
مسئله سیاست خارجی هم مسئله ایست که
دخول در جزئیات آن موافق مصلحت
مملکت نیست و بدون اینکه آقای مدرس
خودشان توضیحاتی داده باشند و موادی
معین کرده باشند بنده در مقام دفاع بر این
و بتوانم مسائلی را بگویم و من مصلحت
مملکتی را ترجیح میدهم بر اینکه بخواهیم
زیاد وارد بشویم در این مسئله که تصصیری
نشده و شاید قصوری شده باشد فقط
چیزی که بد نیست اینجا تذکر بدهم این
است بطور احتمال فرمودند وضعیتی در
بعضی از نقاط مملکت است که قابل تحمل
نیست و اگر اهتمامات آقای وزیر جنگ
مدرس هم چو فهمیدم يك تعریض بود یا اینکه
اهدنامه تجارتنی که مدتها است محل گفت
روی می نمود البته این را نه تنها بنده بلکه

همه کس تصدیق میکنند (قولی است که
جلگی برانند)
آقای وزیر جنگ در این مدت دو سالی
که آمده اند و دامن همت بکمر زده اند
حقیقتاً یک پیشرفت های عمده کرده اند بطوری
که توقع نبوده است و من تصور نمیکنم که
هیچ آدم بی غرض و مملکت دوستی تصدیق
نکند که وجود ایشان برای مملکت بسیار
مفتم بوده است
(جمعی از نمایندگان صحیح است)
و هر کس تصدیق نکند بنده بدون
تأمل او را مغرض میدانم
(گفته شد صحیح است)
مقصود بنده از این عنوان این نبود
که در اینجا تعجید و تعریفی از آقای وزیر
جنگ کرده باشم ولی مقصودم از مقوله آن
عنوانی بود که اهل علم دارند و میگویند
انسان گاهی اوقات خبری که میدهد مقصودش
خبر دادن نیست مقصودش این است که
بطرف مقابل بگوید من هم میدانم و اما
اینکه اگر آن قوه نبود اوضاع بد بود چیز
واضحی است
کدام رئیس الوزرا و وزیر و هیئت
دولتی است که اگر اسبابش جمع نباشد
بتواند کار خوب بکند البته اگر آن هیئت
دولت يك اوضاعی را حفظ کرده است و
نگذاشته است بدتر شود اسبابی در دست
داشته است و آن اسباب قسمت عده اش
آن چیزهاست که آقای وزیر جنگ تهیه
فرموده اند
(گفته شد صحیح است)
مقصودم از این تذکر آنکه بدتر
از این که هست نشده بواسطه قوا ایست
که آقای وزیر جنگ تهیه کرده اند این
تعریف وزیر جنگ میشود آیا تنقید رئیس
الوزرا نمیشود و اما اینکه وضعیت امروز
چطور است تصور میکنم يك قدری مطالب
زود فراموش میشود و بنده تصور میکنم
وضعیت امروز از بعضی جهاتی که ایشان
در نظر دارند بدتر از وضعیت پارسل و
پیرارسال نباشد
چه اموری اتفاق افتاده که غیر قابل
تحمل است ؟ در هر صورت چون توضیح
ندادند و تصریح نفرمودند و عرض کردم که
این مسائل لزومی ندارد و بیانات آقای
مدرس همان طور که در باب پر گرام عرض
کردم تعریف و تمجید از آقای رئیس الوزرا
بود امروز هم نظر بحسن فطرتی که دارند
آنچه فرمودند تنقید نبود بلکه تمجید بود
از رئیس الوزرا و با وجود اینکه بر حسب
سلیقه ایشان آقای مستوفی الممالک حاضرند
مذاکرات انصاف را از دست ندادند و در
عین مخالفت تصدیق نمودند
نکته دیگری که بد نیست بنده تذکر
بدهم این است در ضمن فرمایشات آقای
مدرس هم چو فهمیدم يك تعریض بود یا اینکه
اهدنامه تجارتنی که مدتها است محل گفت
روی می نمود البته این را نه تنها بنده بلکه

و گو بوده و هشت و ما منتظر آن هستیم
ممتلك نصفه نشده است بنده همچو فهمیدم
که چنین اعتراضی دارند اینك بطور اجمال
عرض میکنم این عهد نامه تجارتنی که این
دوره می بایست بسته شود عهدنامه تجارتنی
متعارفی نیست
متعارفاً بین دو دولت که عهدنامه
تجارتنی ندارند شاید در عرض يك هفته ده
روز یا یک ماه میتوان يك عهدنامه تجارتنی بست
تجارت معلوم است چه حالی دارد حواجیح
تجارتنی مسالک نسبت بیکدیگر در نظر
اشخاص که آن عهدنامه را منقذ میکنند معلوم
است مطلقاً ندارد و بهسولت توافق بین
طرفین حاصل میشود و عهدنامه بسته میشود
اما این عهدنامه که ما میخواهیم بنسبت این
طور نیست یعنی دو قوم هستند در مقابل يك
دیگر که چند چیز در آنها پیدا شده است
یکی اینکه طرفین محتاجند باینکه با هم
دیگر معامله و تجارت داشته باشند طرفین
هم مایل هستند و بهین دلیل است که بنا
گذاشته اند عهدنامه تجارتنی بیند و ولی در عین
حال کیفیت دیگری هم هست و آن این است که
دو قوم در اوضاع اقتصادی طریق و روه خاصی
دارند که بکلی بیکدیگر متباین است از
یکطرف تباری که در طریق اقتصادی دارند
و از یکطرف احتیاج باینکه اینها با یکدیگر
تجارت داشته باشند تولید این شکل را کرده
که این دو امر را چگونه باید بیکدیگر
موافقت داد ما يك روه مخصوصی در امور
اقتصادی داریم که از آن میخواهیم دست
برداریم و نمیتوانیم هم دست برداریم آنها
هم طریق دارند که بکلی با طریق ما متبانی
است و بلکه در نقطه مقابل است و همانطور
که ما میخواهیم از مسلك خودمان دست
برداریم آنها هم حتی الامکان نمیخواهند -
حالاً اینجا است که امر مشکل شده است که
آیا این دو طریق متضاد را چطور باید با هم
تطبیق کرد بنده این است که از طرف ما ایشان در
این امر اهتمام نشده و قصوری شده باشد چیزی
که هست که مسئله فاض است و حل کردن
آن مشکل است آقایان معتقدند که این
مذاکره عهدنامه تجارتنی شاید متجاوز از
يك سال است که مطرح است و اشخاصی
هم در این کار دخالت کرده اند که در بصیرت
و خیرخواهی آنها نمیتوان هیچ شبهه کرد
در این مدت یکسال بیش از ۴ مادر سهم
ما نبوده است و هشت ماه یا بیشتر آن قبل
از ما واقع شده است بنده نمی خواهم عرض
کنم که آن هشت ماه قبل از ما کسی قصور
یا تقصیری کرده زیرا بنده کسی را مقصر
نمیدانم و یقین دارم که قبل از ما کسی میل
داشته اند باینکه این مقصود حاصل شود
منتهی در ظرف هشت ماه نتیجه نگرفتند از
چه جهت ؟ علت همان بود که عرض کردم
نکته دیگری که بد نیست بنده تذکر
بدهم این است در ضمن فرمایشات آقای
مدرس هم چو فهمیدم يك تعریض بود یا اینکه
اهدنامه تجارتنی که مدتها است محل گفت
روی می نمود البته این را نه تنها بنده بلکه

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
صفحه ۱۹۸۷
دوره چهارم

شده بود متدرجاً رفع شده بود يك مقداری هم از طرف این عمامه پیشرفت کرده است بسیاری از مشکلات مرتفع گردیده بطوری که بنده میتوانم خدمت آقایان اطمینان بدهم که امروز اگر یکی دو فقره مشکل دیگر رفع شود این مسئله غماض عهد نامه تجارنی ما هم حل خواهد شد پس در اینجا هم نه نصیری بوده و نه قصوری اگر عهد نامه تجارنی تمام و قطع نشده امردارم کسانیکه بعد از این دخیل امور میشوند دنباله کار را بگیرند و به جزئی اهتمامی موفق بشوند.

رئیس الوزرا - بنده با اینکه بکوچک ترین خدمات ملی و سلطنت مشروطه همیشه افتخار داشته و دارم نظربا اینکه برای صحت عمل و اجرای قوانین ویا کدمانی و بیطرفی صرف مخصوصاً از چند سال قبل باین طرف چندین مشتریهای زیادی نمی دیدم همیشه دوری از خدمات کرده ام و هیچوقت اصرار در دخول بخدمات نداشته ام و هر وقت هم داخل خدمات شده ام اگر در ایامی بوده است که مجلس شورای ملی حضور داشته است بر حسب تمایل اکثریت مجلس و امر اعلیحضرت همایونی بوده است و اگر در اعلیحضرت همایونی حضور در مجلس را داشتم و قیاب مجلس بوده است باز يك اندازه بر حسب اراده ملت و امر اکید اعلیحضرت همایونی بوده است و هیچگاه با صراحت اسباب چنینی و برانگیختن و دسایس بنده نیامده ام مصدر کار بشوم و در هیچ زمان اصرار بدخالت در کار بمللی که عرض کردم نداشته و ندارم در این دفعه و در سایر مواقع هم آقایانی که در این شهر تشریف داشته اند همیشه شاهدو ناظر بوده اند که بمجرت حس يك بی میلی یا از طرف مجلس در دوره های گذشته و با از طرف اعلیحضرت (و حال آنکه هیچوقت هم چو چیزی واقع نشده است) فوراً از کار کناره می گرفتیم و استقامت و اصرار هم نمی کردم ایندفعه اگر بنده استقامت کردم علل استقامت بنده همان بود که آقای ذکاء الملک وزیر امور خارجه همکار محترم بنده کاملاً بیان کردند و الا بنده عرض نشده ام و دارای همان سلیقه و رویه هستم و اشتیاق بکار هم نداشته ام بهمان عللی که عرض کردم و الا کمال افتخار را بکوچک ترین خدمات ملی و سلطنت مشروطه دارم و باز تکرار میکنم که جهات استقامت بنده همان بود که آقای ذکاء الملک بیان فرمودند و شکر می کنم که پس از اینکه آقایان استیضاح فرمودند بیاناتشان همان بود که فرمودند و مشاهده گردید و حاضرین هم استماع نمودند که بالاخره خطائی نسبت بدولت وارد نیامده و قصوری هم که آقای مدرس در ضمن فرمایشاتشان فرمودند بنده قبول ندارم و هم چو چیزی را تصدیق نمیکند و با کمال جرئت عرض می کنم که کابینه بنده قصوری در وظائف خود نکرده و آن چه که ممکن بود انجام داده و آنچه را

که توانسته اند صورت داده اند و یادشرف انجام بوده است و خود بیانات آقای مدرس تا يك درجه نشان میدهد که حقیقه يك اعتراضات واردی بدولت نداشتند فقط قدری بی لطفی نموده از روی بی لطفی ایرادی فرمودند . . .

مدرس - کماز اخلاص ست **رئیس الوزرا** - و بنده کمال تشکر را دارم که در عین بی لطفی بیش از آنچه که فرمودند چیزی نگفتند و حالا هم راجع به سیاست خارجه جواب همان بود که آقای ذکاء الملک بیان فرمودند و بعد از بیانات ایشان بنده نمیخواهم چیزی عرض کنم زیرا بیانات ایشان از هر حیث جامع بوده يك فرمایش دیگری هم آقای مدرس فرمودند راجع به قضایای گذشته و ایام مهاجرت که در آنجا هم قدری بی لطفی فرمودند و نسبت قصوری به بنده دادند

در این مسئله هم بنده پیش وجدان خودم خود را مقصر نمیدانم و تصور هم به عقیده خودم نکرده ام و تصور می کنم آنچه بنده کرده ام عین خیر و صلاح مملکت بوده و حاضر هم هستم (چون بنده قدری کمتر فیض حضور در مجلس را داشتم و قوانین مجلس را هم درست نمیدانم که اجازه میدهد این تقاضا را بکنم) يك کمیونی در مجلس تشکیل بشود و مطالب راجع ایام مهاجرت را چون حرفهایی در آنست که صلاح نمیدانم علنی بگویم در آن کمیون بگویم تا معلوم شود آنچه که بنده کرده ام قصور نبوده است .

قدری از مسئله خارج شدیم اما حالا پس از اینکه استیضاح شده و بحمدالله معلوم شده که دولت خطا و خیانتی نکرده و همان طور که آقای ذکاء الملک فرمودند حفظ اصولی را بعمل آوردم بنده اصراری هم بماندن ندارم و هیچ اشتیاقی هم ندارم تا اینکه تا يك درجه بر همه آقایان معلوم شد که علت مخالفت آقایان مخالفین از روی يك حس خیانتی نسبت بدولت نبوده و فقط از روی بی لطفی مخالفت نموده اند بنده هم عرضی ندارم و اصراری هم بماندن ندارم زیرا میدانم وضعیت بطوری که دخالت اشخاص مثل بنده در امور اسلامتی ندارد و متأسفانه و بدبختانه وضعیت این مملکت يك اشخاص را می خواهد که وقتی داخل در کار می شوند يك آجیل هائی بگیرند و يك آجیل هائی هم بخش نمایند بنده ناهل گرفتن هستم و ناهل دادن نمی گیرم و نه میتوانم بدهم و اصراری هم بماندن ندارم و این ایام غیبت مجلس را هم که شاید در پیش بعضی یکی از ایام بره کشی فرض شود فرض شود برای اشخاص که اشتها دارند میکندارم من که اشتها ندارم مدنه من خراب است از اینجا مرخص میشوم و میروم حضور اعلیحضرت همایونی واستمغای خودم را هم نظر با احترام اینکه گفته میشود دولت اکثریت ندارد (اگر چه هنوز معلوم

معلوم نیست این مسئله قطعی است یا خیر) و اگر بنده این رسم را تا امروز احترام نکردم برای حفظ آن اصولی است که آقای ذکاء الملک بیان کردند ولی امروز برای حفظ اکثریت مجلس با اینکه مسلماً نمیدانم دولت اکثریت دارد باندار از اینجا مرخص میشوم و میروم حضور اعلیحضرت همایونی واستمغای خود را تقدیم میکنم آقایان وزراء هم بفرمایند .

(در این موقع آقای رئیس الوزرا عاز مجلس خارج و تماشاچیان با هیاهو و قیل قال زیاد)

(فریاد زنده باد آقای مستوفی الممالک بلند نمودند)

رئیس - آقای ارباب کیخسرو و حکم کنید تمام این اشخاص تماشاچی را توقیف کنند این چه بازی است ؟ در آورده اند البته آقایان مایل هستند که اصول پارلمانی هم قدری مرتب باشد این ترتیب را بنده بهیچ وجه نمی پسندم این آقایان تماشاچی این طرف و آن طرف باید توقیف شوند و چند روز در توقیف بمانند پیشنهادیکه بنده میکنم این است که به بنده اجازه داده شود این آقایان را توقیف نمایند و با اطلاع نظمی هر کدام مقصر بودند به مجازات برسانند

(جمعی گفتند - صحیح است)

رئیس - باید رای بگیریم آقایانی که این ترتیب را . . .

مدرس - اجازه میفرمائید بنده در همین پیش نهادی که فرمودند دو کلمه عرض دارم

رئیس - بفرمائید

مدرس - بنده گمان نمیکند تمام آقایانی که اینجا تشریف دارند منشاء این حادثه باشند در هر جمعیتی چهار پنج نفره نفر بودند و يك حرکتی کردند و آنها هم ظاهر آ کسانی بودند که با این رفتند بنده گمان نمیکند تمام آنها مقصر باشند که آقای رئیس میفرمایند مجلس رای بدهد معدک اختیار با آقای رئیس است

رئیس - بنده عرض نکردم تمام آن هارا مجازات کنند عرض کردم بنده اجازه داده شود بالفعل بگویم آنها را توقیف نمایند بعد رسیدگی شود هر کدام تصیر کرده اند بمجازات برسانند آقایانیکه این ترتیب را تصویب میکنند قیام نمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمایند)

رئیس - تصویب شد

(در این موقع جلسه تعطیل و پس از يك ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای حائری زاده .

نصرت الدوله - اجازه های جدیدی تقاضا شده است که صورت آنرا هم تقدیم کردم .

رئیس - اجازه هائی هم از سابق بوده است .

حائری زاده - بنده هیچ میل نداشتم بعد از اینکه آقای مستوفی الممالک خیال کرده اند استغناء بندگان در این موضوعات مذاکره بکنم ولی آقای يك فرمایشاتی فرمودند که بنده مجبورم قبلاً يك حقایق را عرض کنم و حکمت آنرا هم با فکر عمومی واکذار نمایم در آن موقعیکه بنده در اقلیت بودم و مخالف کابینه آقای قوام السلطنه بودم مذاکراتی با دولت روسیه میشد و نتیجه حاصل نمی شد چون آن کابینه طرف اعتماد من نبود لازم میدانستم يك رئیس الوزرائی که طرف اعتماد من باشد بیاید و وسائل خوشبختی اهالی شمایل فراهم کند و قرارداد تجارنی مامنعقد شود و اسباب آسایش مردم فراهم آید .

حالا نمیگویم آقای قوام السلطنه تقصیر داشتند به جهت اینکه بنده نمیدانستم پشت پرده چه بوده همین قدر اعتماد نداشتم و دنبال این میکشتم که يك رئیس الوزرائی که قادر باین مسئله باشد پیدا کنیم و ایشان این قضایا را حل کنند .

دو ماه قبل از اینکه کابینه آقای قوام السلطنه سقوط پیدا کند آقای امین التجار که حالا تشریف ندارند بنده و مرحوم دولت آبادی و آقایان مساوات و حاج سید المحققین و دارو و تین و حاج مغیر - السلطنه را که آنروز و کبیل بودند دعوت کردند بعضی ها کسالت داشتند و نیامدند بعضی ها آمدند .

بنده اطلاع نداشتم چه خبر است دیدم آقای مستوفی الممالک تشریف آوردند و در آن موقع اعلیحضرت از روی تشریف داشتند يك شرحی آقای مستوفی بماطور نصیحت اظهار کردند که باید اجراء عملی شوند و گفتار را کنار بگذارند و بی کردار بروند و اگر ما با هم مساعدت نکنیم و مسامحه نمایم و عملی نشویم آزادی در مخاطره است و دست ارتجاع دارد قوی می شود بواسطه این عقیده بود که بنده با فرمایشات ایشان موافقت کردم دیدم عین نظریات بنده را ایشان معتقدند منتهی چیز هائی دیدم حالا نمیخواهم عرض کنم اگر لازم شد يك موقع دیگری عرض میکنم آن جلسه گذشت در آن موقع عده ما سی بود بعد از چندینی که عده چهل نفر شد و امیدواری پیدا کردیم که اکثریت خواهیم داشت و میتوانیم حکومت قوام السلطنه را ساقط کنیم و يك حکومت دیگری را روی کار بیاوریم مجدداً آقای مستوفی الممالک از اونک (در این موقع جلسه تعطیل و پس از يك ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای حائری زاده .

این جمله را هم عرض میکنم آن

موقعیکه ما با کابینه آقای قوام السلطنه مخالف بودیم بین رفقای خودمان مذاکره شد که باید کاندید حکومت بعد معلوم باشد که وقتی قوام السلطنه رفت چه آدمی می تواند حکومت ملی را اداره کند. بین رفقای ما اختلاف بود بنده و شاهزاده سلیمان میرزا و چند نفر دیگر با مستوفی الممالک موافقت نکردیم بنده گفتیم خدمت آقای مستوفی - الممالک رسیده ایم (این مذاکرات مال قبل از دعوت منزل آقای امین التجار بود) و آقای مستوفی را زیارت نکردم اولی وقتی در یزد بودم و مهاجرت پیش آمد اشخاص مطلع با من صحبت کردند که ممکن بوده است در آن موقع يك معاهدات خوبی برای ایران به بندند و این خرابی هائی که باین مملکت وارد آمده جلوگیری شود بمنازع مملکت تمام شود در آن موقع هم آن فرصت نگردند در اطرافش زیاد مطالعه کنند و آن موقع مهم از دست ما رفت و بنده از همان نقطه نظر میکشتم ممکن است بعد هم همان رویه را داشته باشند و بنده نمیتوانم با ایشان موافقت کنم یکی دیگر اینکه میگفتند بختیارها در سابق در زمان حکومت ایشان يك دست درازیهائی میکردند و مردم جنوب از دست آنها شکایت داشتند و در زمان حکومت مستوفی باز ممکن است بختیارها مصدر کار بشوند و بنده از نقطه نظر و کالت نمیتوانم تجویز کنم فقط و فقط آقای طباطبائی بما اطمینان دادند که آقا در این مدت که داخل در عمل نبوده فهمیده که امروز روز کار است و روز گفتار نیست و باید عملی باشد و تمام مردم و منصدی که شما دارید ایشان هم دارند و تجربیات گذشته بایشان حالی کرد که باید گفتار را کنار گذاشته و کردار را پیش بکشید حتی شاهزاده سلیمان میرزا هم قانع نمی - شدند ولسی بالاخره با اطمینان های آقای طباطبائی قانع شدیم این قضایا ما قبل از منزل آقای امین التجار است در منزل آقای سردار جنگ موقعی که عده ما چهل نفر بیشتر نبود و هنوز اکثریت نداشتیم بنده و آقای زنجانی و آقای حاج سید المحققین آنجا رفتیم آقای امین التجار هم وسط مذاکرات تشریف آوردند با چون اطمینان بفرمایشات آقا داشتم که عملی هستند و ما را نصیحت کردند که عملی باشد و ما را فرمودند هنوز از نظر ما فراموش نشده امروز روز عمل است و ما هم میل داریم انتخابات دوره پنجم مطابق مرام ملت باشد و دست آتیرك دخالت نداشته باشد حق بازی در انتخابات نباشد و مردم را در انتخاب نمایندگان آزاد بگذارند و ما مورین که از طرف حکومت سابق با اطراف رفته اند اینها بعقیده ما برای انتخابات رفته اند ممکن است مردم را آزاد نگذارند بین خودمان که مذاکره کردیم دیدیم آقای مشیرالدوله در این قبیل مسائل سختی بفرج نخواهند داد و فرمایشات شما ما را امیدوار کرده و از شما مشتاقم که

تمام ما مورین از ما مورین نظمیه و حکام و معاونین و فرمان فرماها و روسای بلدیه تمام را باید عوض کرد آن تیب باید بروند و يك تیب جدیدی بیابند و دخالت در امر انتخابات نکنند تا انتخابات با سرعت جریان پیدا کند زیرا انتخابات حق ملت است و دولت حق دخالت در امر انتخابات ندارد آقا حتی این مسئله را از ما پرسیدند که ممکن است یکمده اشخاصی باشند که من وقتی بخواهم با آنها مذاکره کنم بخواهند وزیر شوند آبا ممکن است يك وزیر مشاور بمجلس معرفی کنم و آن اشخاص را قانع و راضی کنم که با حکومت موافقت کنند گفته شد از نقطه نظر بودجه ما نمی توانیم وزیر مشاور بپذیریم شما آن اشخاص را که طرف اعتمادتان میباشد بشیروزارت ممکن است آنها را قانع کنید ممکن است آنها را با بابت قانع کنید.

ممكن است بيك شكل دیگری آنها را قانع نماید .

يك شرحی راجع باین زمينه صحبت شد مخصوصاً نظرم هست که آقای حاج مغیر السلطنه که آنروز و کبیل بودند در منزل آقای امین التجار این مثل را زدند و گفتند کوسفندی که کشته میشود حکومت ها کله و پاچه این کوسفند را قسمت میکنند بین طرفداران خودشان و گوشت لغمش را خودشان میبرند و باید حکومت آقای مستوفی الممالک هم آن کله پاچه را قسمت کند ولی کوشش را برای مملکت نگاه بدارد من هم متقاعد شدم در صورتیکه این کوسفند هیچ چیزش برای مملکت نماندند حالا لاقل کله پاچه اش برود ولی کوشش برای مملکت باقی بماند و مخصوصاً نظر بنده هست که آقای مستوفی فرمودند کله پاچه هیچ وجیکش هم باشد اشکالی ندارد و باید اجراء عملی شوند این فرمایشات بنده را قانع ساخت و یکی از طرفداران جدی ایشان شدم و پس از آن دیگر بنده ایشان را ملاقات نکردم تا اینکه ما اکثریت شدیم و آقای مستوفی الممالک را کاندید خود معرفی کردیم و ایشان تشریف آوردند و طرفداران خود را معرفی کردند و يك جلسه شد و طرفداران دولت حضور پیدا کردند بنده چون اطمینان بفرمایشات آقا داشتم که عملی هستند و ما را نصیحت کردند که عملی باشد و ما را فرمودند هنوز از نظر ما فراموش نشده امروز روز عمل است و ما هم میل داریم انتخابات دوره پنجم مطابق مرام ملت باشد و دست آتیرك دخالت نداشته باشد حق بازی در انتخابات نباشد و مردم را در انتخاب نمایندگان آزاد بگذارند و ما مورین که از طرف حکومت سابق با اطراف رفته اند اینها بعقیده ما برای انتخابات رفته اند ممکن است مردم را آزاد نگذارند بین خودمان که مذاکره کردیم دیدیم آقای مشیرالدوله در این قبیل مسائل سختی بفرج نخواهند داد و فرمایشات شما ما را امیدوار کرده و از شما مشتاقم که

ایشان فرمودند که یکی از مراکز مهمه که به نظر ایشان مدخلیت دارد مقام مقدس سلطنت است و بواسطه اینکه شاهزاده داخل در يك جمعیتی هستند يك چیزهائی ممکن است بآن جمعیت متوجه بشود و جلب سوء ظن اعلیحضرت را بکنند باید وسائل رضایت اعلیحضرت را فراهم کرد اعلیحضرت آدم قسانی است و زود میشود او را قانع کرد تا نمونه آن کابینه آمد در مجلس معرفی شده بنده دیدم آن نمونه مطابق فرمایشاتی که میفرمودند نبود و موافقت دولت آنهائی که حاضر هستند هستند و آنها که حاضر هستند و آنها که نیستند البته عریض بنده بسمع شان میرسد در آن جلسه اختلاف بنده آن شب رفتم و گفتم فرمایشات آقا بانگونه کابینه ایشان موافقت ندارد و بنده معتقد هستم تا آن ساعت انگری که مقام نمایندگی ایران را دارا هستم و مشغول خدمت هستم برای بنده سعادت و بدبختی مملکت را ممکن است ایجاب نماید و بموافقت و مخالفت من ممکن است اسباب خرابی و ایمنی برای مملکت فراهم بیاید ولی حکومتی را که ما امروز باورای می دهیم اگر ما مور او در بلوچستان يك تمدی بکنند بنده که يك نفر موافق دولت هستم شريك و مسئول آن ظلم هستم و بنده باید کاملاً اول ضرر را هم ببینم و با دولت موافقت کنم والا بنده نمیتوانم موافقت کنم باین دولتیکه نظریه بنده را وعده بدهد اجرا کند ولی نمیکند شاهزاده سلیمان میرزا برای افتناع بنده و سایر رفقا ما را بمنزل آقای ناظم العلماء دعوت کردند بیکمده از رفقا آنجا رفتیم و شرحی در این موضوع صحبت شد که باین دولت چه باید کرد بنده بنای داد و فریاد را گذاردم گفتم من عداوت شخصی با قوام السلطنه نداشتم ایمانی هم بمستوفی الممالک نداشتم و ما يك حکومت را که آوردیم نباید فقط معتقد باشیم که این حکومت ما است بلکه اگر يك خرابی هائی میبینم باید خودمان بدولت تذکره بدهم جلوگیری از خرابی خودش بکنند تا دیگران نتوانند بما اعتراض کنند و نظرم هست که شاهزاده سلیمان میرزا عصبانی شدند و ببندید گفتند شاهمان معامله را که با قوام السلطنه کردید میخواهید با ما هم بکنید بنده گفتم من طرفدار فکر و عقیده هستم نه شما که سلیمان میرزا هستی ایمان آورده ام نه آقای مستوفی الممالک من طرفدار فکر خودم هستم اگر نظرم اجرا نشده مخالفت میکنم ولی رفقا باز بنده را قانع کردند که مجلس منحصر به ماه ۱۵ نفر ماها که دارای يك مسلک و عقیده مسلمی هستیم نیست .

این اکثریتی که حمایت از دولت می - کند اکثریت سریشمی است و اکثریتی است که هر يك از افرادش دارای يك تکری است که ممکن است منافی فکر و نظریه ما باشد و تاير کرام دولت از مجلس نگذشته مانناید بدولت اعتراض کنیم پس از اینکه در این مجلس رسمی عرض می کنم در کابینه آقای مستوفی الممالک که هیچ در کابینه آقای مشیرالدوله و کابینه قوام السلطنه در این مدتی که بنده در این مجلس بودم اگر يك مراسله که در آن متوقع خصوصی از این کابینه ها مقرر شده اند بنده

دولت میتواند يك عملیاتی بکند آن موقع باید توقع عمل داشته باشیم .

بنده باز به سکوت گذراندم تا آقایان روزاز مرا کسیونهای مختلفه نمایندخواستند تاير کرام را بنویسند در آن فرا کسیون کابینه بودم دو نفر انتخاب شدند یکی آقای سبهدار اعظم بود و یکی مرحوم دولت آبادی و چند نفر دیگر گویا بودند که جمعا هشت نفر بود که اسامی آنها حالا درست در نظرم نیست رفقای فرا کسیون گفتند نظر تانرا در نوشتن یر کرام اظهار کنید رفقای من شاهدند که من گفتم هیچ نظری ندارم غیر از اینکه انجمن های ایالتی ولایتی (که بنده عقیده بنده يك دهه است برای این که ما مورین دولت نتوانند تخطی کنند) تشکیل شود و اینها هم از هیچ حکومتی امیدواری ندارم غیر از کابینه آقای مستوفی الممالک که امیدوارم اینکار را بکنند .

آقای سبهدار هم حاضرند مغیرین کبیه و بنا هم حاضرند شبی که کمیسیون تشکیل شد بنده حضور نبودم ولی تا وقتیکه چراغها خاموش شد در فرا کسیون ماندم آقای سبهدار فرمودند بدون این که ما اظهار بکنیم نظریه و عقیده خود آقا هم همین بود و یکی از موادیر کرام خودشان را تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی قرار دادند بنده هم رفتم اظهار امتنان کردم پس از آنکه یر کرام از مجلس گذشت بنده دیدم آن نظریاتی که بود تمام برای اغفال بنده بود دیدم نمی توانم موافقت کنم و مایوس شدم و از رفقا جدا شدم آقا بنده را در هیئت وزراء احضار کردند فرمودند نظریه شما چیست گفتم که آن صحبت های قدیم بماند عجالتاً عقیده ما چند نفر رفقای که دور هم هستیم این است که این ما مورین که فعلا هستند باید تبدیل نشوند و يك ما مورین - صحیحی . . .

رئیس - آقای حائری زاده اجازه خواهند گمان زیاد است خوب مختصر تر بفرمائید

حائری زاده - بسیار خوب بقیه مطالب را اگر وقت شد موقع دیگر عرض می کنم آقا در پشت این تریبون فرمودند که بنده آتیرك نمی کردم و يك عده از آقایان خواهشهایی داشتند که نتوانستم انجام بدهم گویا همچو مضامینی بود درست گوش نه شنید بنده نمی دانم آتیرك میشده است یا نمیشده است این يك تاریخچه بود که عرض کردم و بقیه اش را برای يك موقع دیگر عرض میکنم ولی از حیث توقعات بنده در این مجلس رسمی عرض می کنم در کابینه آقای مستوفی الممالک که هیچ در کابینه آقای مشیرالدوله و کابینه قوام السلطنه در این مدتی که بنده در این مجلس بودم اگر يك مراسله که در آن متوقع خصوصی از این کابینه ها مقرر شده اند بنده

